



پیام کارگر

شماره

۲

بها ۴۰ ریال

ارگان کمیته خارج ز کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول - خرداد ۱۳۶۶

اعلامیه کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بمناسبت هشتمین سالگرد تاسیس سازمان

د رصفحه ۳

اطلاعیه

زندانیان سیلی در اعتصاب غذا بسر می برند!

د رصفحه ۵

رژیم فقها، بن بست ها و نرفندها

موقعیت کنونی حکومت فقها بعد از سلسله وقایع دوره اخیر، حاکی از تشدید در رگیهای د رونی و بیانگر ضعف جناح مسلط می باشد. این جناح برای غلبه بر بحران و تحکیم موقعیت خود با طرحها و شعاعهای تکراری و شگرد های " مستضعف پناهی " به میدان آمده است.

اگر موقعیت کنونی را در ر بستریک دوره معین از فعل و انفعالات بورسویی نمائیم، رسوائی رابطه با آمریکا را میتوان بعنوان یک سنگ بنای معین و مشخصی در نظر گرفت. در رحول و حوش همین ماجرا، و در تعقیب استراتژی جنگ ضربتی و پیروزی کوتاه مدت که به سلاحهای آمریکائی و بنا بر این نزدیکی به آمریکا نیاز بود، تعرض به د ارو د سته مهدی هاشمی از ناحیه جناح مسلط رژیم سازماندهی شد. چرا که اینها مخالف این نوع نزدیکی به آمریکا بودند. بقیه د رصفحه ۲

انحلال طلبی در تشکل های توده ای

د ر مقاله " سخنی د ر باره سازماندهی پناهندگان " مند رج د ر "پیام کارگر" شماره یک، همراه با نقد سکتاریسم، بجا به یک گرایش منفی، اشاره ای هم به انحلال طلبی کردیم و گفتیم این گرایش همیشه نوبه خود عامل تضعیف کننده است و در عمل به همان نتیجه سکتاریسم می رسد. سیمای ظاهری این گرایش برخلاف نتیجه ای که به بار می آورد و بخاطر بهر ضد سکتاریستی که می گیرد، د موکراتیک و آزاد منشانه می نماید و خود نمائی هایش د ر میان بخشی از نیروها و بعضاً د ر میان فعالینی که از گروه مداری رنجید ه اند بدل می نشیند. اصل حرف آنها چنین است: گروههای سیاسی از تشکل های بقیه د رصفحه ۱

بیانیه مشترک

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

د رصفحه ۷

گزارشاتی از برگزاری مراسم اول ماه مه

د رصفحه ۱۲

سازمان عفو بین الملل رژیم جمهوری اسلامی را

محکوم می کند! د رصفحه ۵

کمیود کاغذ، سانسور و اختناق فرهنگی

د رصفحه ۶

کائاد - پناهندگان و هواداران نیروهای سیاسی ایرانی

رجائی خراسانی را وادار به فرار کردند د رصفحه ۱۶

قطعنامه مشترک

شیخ عزالدین حسینی

چریکهای فدائی خلق ایران

چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رها نی بخش خلقهای ایران)

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

د فترت سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کومه له یکسانی کردستان - ایران

د رصفحه ۲

حزب جمهوری اسلامی منحل شد

د رصفحه ۶

زندگی و مبارزات پناهندگان

اعتصاب غذا برای حمایت از زندانیان سیاسی دز ایران

سیاست درمانی سازمان ملل در کراچی باعث مرگ یک پناهنده ایرانی گردید!

یک پناهنده سیاسی ایرانی در اعتراض به سیاست های نژاد پرستانه در د انمارک خود سوزی کرد

حمله مزدوران جمهوری اسلامی به

پناهندگان ایرانی در کراچی

اعتصاب غذا دز آلمان غربی: بایرن

نورنبرگ، موندورف، و تراو

کدام معیارها کهنه شده اند؟

سازمان اکثریت د ر نشریه شماره ۳۸ کار د ر مقاله ای با عنوان " اتحاد، مبارزه، ظاهرا به قصد بررسی کارنامه یکساله جنبش د ر زمینه اتحاد و مبارزه جابجای ضرورت اتحاد با حزب توده را بمیان کشید و وقایع جریانات سیاسی متفا و ت را که برانزوای سیاسی این سازمان و حزب توده پافشاری می کنند بانام وبی نام مورد انتقاد قرار داد. آنها رابه پیروی از " عوامل و ملاکهای کهنه و کهنه شده " متهم می کند و شی شروط کردن اتحاد با این حزب را مشی " غیر سیاسی " می نامد. علاوه بر این، مقاله بی آنکه ذره ای به شکست ها، انشعابات و بحران حادی که این طیف را د ر خود گرفته اشاره کند با خود ستائی ویژه ای د ر باره موفقیت های خود و حزب توده سخن می گوید.

بقیه د رصفحه ۱۳



بعضی ها نام ستارگان را از حفظ دارند

من نام حسرت هارا

بمناسبت سالگرد مرگ ناظم حکمت د رصفحه ۱۱

ادامه از صفحه ۱

د خالت مشرد راین جنگ به خلیج وارد شد و تمام سوز و ناله فقها از تصمیم کویت مینی بر استفاده از برچمهای د و کشور مذکور بر روی کشتیهایش ، از این زاویه صورت می گیرد . علیرغم چند ضربه ای که د راین مدت کشتیهای شوروی و آمریکا خورد هاند ، هیچکدام تردیدی د ر ادامه د خالت مشرد رخلیج نشان نمی دهند . حداقل خالتی که د راین زمینه صورت می گیرد حفظ امنیت کشتی رانی ، یعنی حمایت از کشتیهای مورد حمله رژیم فقهاست و البته د امنه این د خالت می تواند بسیار گسترده تر شود . همه اینها نه تنها به معنی بن بست تازه ای د ر سیاست جنگی فقهاست بلکه بمعنی فشار مستقیم و غیر مستقیم بر آنان جهت خاتمه دادن به جنگ خواهد بود . بار مشکلات اقتصادی و بحران ارزی و فلاکت د م افزون نیز که نیروی اعتراضی و تنفردود های را فشرده می کند چنان همیشه بعنوان یک خطر بالقوه عمل می نماید .

رژیم فقها ، بن بست ها و نرفندها

د راین وضعیت رژیم یکبار د یگرووق کهنه و بارها با زی شده " مستضعف پناهی" و حمله به " مستکبرین و مال اندوزان " را رو کرده است . با این نیت که ضد حمله ای را د برابری و آزادی شریک (بازاریان محترم) بر آید ، اعتماد و وفاداری ضریب خورد ه " حزب الله " را احیا ، نماید و به مقابله جنبش توده های برود .

موسوی نخست وزیر فقها د رسوین سیمینا را سلام و مستضعفان د ر شهر قم باد فاع شد ی د از اقتصاد د ولتی به بخش خصوصی حمله برد . او گفت : " ترس از د ولتی شدن اقتصاد باعث جلوگیری از کار د ولت د ر صیانت از انقلاب اسلامی است " و همچنین د ربیان نفوذ و قدرت سرمایه د اران د ر همین سیمینا گرفت : " ما تصمیم گرفتیم که جلود انشگاه چند مغازه انتشاراتی بزنیم . . . د ر جلسه ای که د ر حضور ریاست جمهوری بود یم مشاهده کرد یم که صد اهائی بلند شده که . . . آیا این گروه اند که صد ایشان د ر جلسات مهم هم شنیده می شود احتیاج به حمایت دارند . . . " (کیهان چهارشنبه ۲۶ فروردین) . با این

بیان البته او کشف کند خود با خاضه ای را هم مطرح میکند . همراه این سخنان تند موسوی ، منتظری نیز د همان روز طی سخنرانی برای شرکت کنندگان د رهبرین سیمینا به تفصیل د رجعت " مستضعف پناهی " و علیه مستکبرین به منبر رفت . د ر رین مجلس و د رهبر منبر و محفل حکومتی ، این روزها بر سراق اقتصاد اسلامی و تکلیف شرعی د فاع از محرومین د اد سخن مید هاند . کتابهای مطهری و شریعتی و غیره به مید ان آورده میشوند و حتی بر سر مقالات اقتصادی مطهری که د ر کیهان منتشر گرد ید ند ، جنگ سختی بین امامی کاشانی (سخنگوی شورای نگهبان) و این روزنامه د رمی گیرد . چنان حمله مستقیم و تند ی علیه سردمداران بازاریان محترم د ر مجلس صورت می گیرد که حاج امامی سخنگوی تجارت د ر مجلس ، یک نطق پیش از دستور را تمامه ارائه بیوگرافی و د فاع از شخصیت مبارزی بنابر خود ش (!) اختصاص فی د هد تا که اثبات کند تجارت خصوصی به قصد سود صورت نمی گیرد !

اگرچه این ضد حمله جناح مسلط حکومتی و طرفداران اقتصاد د ولتی هر روزه بی گرفته می شود و مدام از کرسیها و تریبونهای رسمی بگوش می رسند اما تفاوت محسوس با مانورهای گذشته حکومتیان د ارد . این بار د بنابر سخنان تند نخست وزیر د رسیمینا رقم و سایر حملات علیه سرمایه د اران و مستکبران ، هیچ بیانیه و اعلامیه پشتیبانی از جانب نهاد های حزب الله و انجمن های اسلامی و غیره به بازار عرضه نشده و هیچ حرکت و بسیج با استفاده از نیروی حزب الله صورت نگرفته است که این میتواند هم بدلیل حرکت کنترل شده د ولت و هم مهمتر از آن بدلیل ناتوانی د ر جذب و بسیج " امت حزب الله " بهمان د لائل ذکر شده د ر قبل باشد .

بهر صورت با ضعف و ناتوانی جناح مسلط و تد اوم پیشروی مؤتلف آن ، تعارض و د رگیری شد ید تر و شکاف بین آنها عمیقتر خواهد شد . اگرچه چگون گذر شده جهت اصلی افشاگریهای ماعلیه سیاست جنگ طلبانه رژیم قرار د ارد ، تأکید بر فلاکت توده ها و طرح خواسته های ضد سرمایه داری را رگران و زحمتکشان ، شکافهای حکومتی و راههای پیشروی حرکت انقلابی را با زتر خواهد کرد .

این تعرض که نوعی تعرض به حریم اقتدار منتظری نیز بود ، اختلالات معینی د ر ارتباط میان فقها و پایه های توده های سازمان یافته آن یعنی " امت حزب الله " را بد نبال داشت . روشن د ست حضرات د ر رسوائی رابطه با آمریکا ، که هر روز ابعاد آن گسترش می یابد ، ضریب سختی به اعتماد و وفاداری آن د ست باقیمانده از مردم که هنوز امید ی به فقها د ارند و آرد آورد و مهتر از آن ، انعکاس شد ید ی د ر میان د سته جات سازمان یافته حکومتی که د ر نهاد های مختلف اجتماعی عمل می کنند داشت . از آن جمله است اعتراضات انجمنهای اسلامی د انشجویان د ر این باره و خصوصاً گله آشکار و سرگشاده آنها از رفسنجانی ! از طرف دیگر ناگامی همه برنامه های د وره اخیر (از جمله رابطه با آمریکا) که هدف آنها شکستن بن بست جنگ و پیشروی " مرحله ای " د ر آن بود ، باعث پیشرویهای از سوی مؤتلف اصلی رژیم یعنی جناح — روروزی و متاز تجاری گرد ید .

کاهش د ر آمد ارزی د ولت و ناگامی د ولت و انحراف آن مرتجع طرفدار اقتصاد د ولتی ، د ست و نبال بورژوازی طرفدار بخش خصوصی و اقتصاد آزاد را با زتر کرد و آنها بدین سرور صد اما با سرعت لازم پیشرویهای خود را د ر تمام عرصه ها سازمان داد ند . حائری زاده نمایندده بیرجند د ر نطق یکشنبه ۲۰ اردیبهشت خود د ر مجلس می گوید : " شبکه پیوسته سازمان های اقتصادی و صندوق های بزرگ وابسته به آنها و اطلاق بزرگانی و حامیان جاد ه صافکن آنها د ر کمیسیون بزرگانی مجلس ، اقتصاد و د ر ارفی مجلس و دیگران همه نشانه آنست که حاکمیت سرمایه کالا وجود د ارد . آقایان مقررات صادر ات و وارد ات را نیز باب د ندان و سلیقه پولد ارفای با زرتنظیم می کنند و بخورد مجلس هم شاید بد هند . . . "

این جز به معنی پیشروی و تعرض شریک و تضعیف و ناتوان شدن جناح مسلط حکومتی نیست .

تصویری از این ناتوانی را میتوان از خلال جواب های رفسنجانی د ر مصاحبه ۳۱ فروردین ۶۶ با خبرنگاران داخلی و خارجی خصوصاً د پاسخ به سئوالات مربوط به رابطه با آمریکا و موقعیت کنونی شخص او ، د ریافت ، او که به اتفاق خمینی بعد از افشاء ماجرای مک فارلن همه جاز بزرگترین دستاورد و پیروزی د ر مقابل با آمریکا د می زد ، د ر جواب به پرسش خبرنگار واشنگتن پست مینی براینکه آیا ایران توانسته است د نتیجه تماسها تسلیحات لازم را بد ست آورد و آیا او (رفسنجانی) خوشحال است که باعث شرمندگی و بازی خوردن ریگان شده است ؟ می گوید : " . . . د رمورد اینکه ما خوشحال باشیم از این

مقد ارد بر خورد ی که با آمریکا فیما شد ه ، چیزی بد ست نیامد که خوشحال باشیم فقط یک آزمایشی بود . " او بعد از لیست کردن تعد اد مختصر (!) سلاحهای بد ست آمده ، می افزاید " شما بیشتر سود برد ید چون ما کمک کرد یم چند نفر از رگروگانها آزاد شدند . " و د رمورد بر خورد به افلاس ریگان می گوید : " . . . ما از این قضیه واقعا خوشحال نیستیم و چنین قصد ی ند اشتیم و این را بیشتر رسانه های خود شما و رقبای آقای ریگان و حزب رقیب ایشان بوجود آورد . . . " د ر این جوابها علاوه بر نکاتی که افشاگریها و جنجالهای سردمداران رژیم که بد نبال ماجرای مک فارلن برپا شد می باشد ، رفسنجانی به روشنی شکست برنامه خود را اعلام می کند . او راست می گوید د ر این ماجرا نه تنها خوابهای خوش د ست یابی به بنیه تسلیحاتی لازم برای شکستن ماشین جنگی عراق تحقق نیافت ، بلکه شکست بزرگی نیز نصیب آنان گشت و این آنچنان انعکاسی د ارد که خبرنگار روزنامه سان گری ژاپن د ر همان جلسه مصاحبه می بورد که : " گفته میشود معاملاتی که ایران با ایالات متحده برای اسلحه د اشت است و تماسهایی که با آمریکا فیما برقرار شد ه است به اعتبار سیاسی جناب عالی د ر میان مقامات مذهبی و عموم ملت لطمه زد ه است . . . " (کیهان اول اردیبهشت ۶۶) و او از جواب به سئوال طفره رفت .

اما ابعاد مشکلات گوناگون و روز افزون است و حلقه تنگتری می شود . اگر بخشی از برنامه رژیم متوجه آن بود که قدرتهای بین المللی و منطقه از عراق فاصله بگیرند و صد ام را د ر برابر ضربات جنگ تنها بگذارند ، روند کاملاً معکوس آن به فعلیت د ر آمد ه است . هم اتحاد شوروی و هم آمریکا هر د و بصورتی فعال برای



اعلامیه کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بمناسبت هشتمین سالگرد تاسیس سازمان

از چهارم تیرماه ۵۸، روز تاسیس سازمان ما، اکنون هشت سال تمام می گذرد. فعالیت سازمان هشت سال گذشته، اینک باید در استان و دشمنان ما را متقاعد کرده باشد که "راه کارگر" نه یک تشکیلات موسمی یا حبابی برآمده در جریان یک بحران سیاسی، بلکه سازمانی است با اهداف روشن و ستون فقراتی محکم که در نما مساعدترین شرایط نیز از افشای بر اصول روی بر نمی گرداند. کارنامه مبارزه هشت ساله ما رساترین بیان کننده اصول اعتقادی ما است. سازمان ما در این مدت صاف قانه کوشید ما است جد از راه رهایی کارگران راه دیگری در پیش نگیرد. ما با اعتقاد عمیق به نیا زحیاتی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران به دموکراسی و آزاد بیهای سیاسی، در تمام هشت سال گذشته، هرگز مبارزه برای آزاد بیهای سیاسی را مسکوت نگذاشته ایم. "راه کارگر" اگر نه اولین، بی شک جزوا ولی جنبانهای سیاسی بود که در مقابل حاکمیت ارتجاعی ولایت فقیه موضع صریح، دقیق و قاطع اتخاذ کرد. در واقع اعلام موجودیت "راه کارگر" در عین حال اعلام جنگ آن به رژیم جمهوری اسلامی بود. در شرایطی که بخش اعظم نیروهای چپ در مقابل روحانیت پیرو خمینی که در جریان انقلاب به قدرت ولتی دست یافته بود، موضع روشنی نداشت، "راه کارگر" نشان داد که روحانیت با دست یابی بر قدرت ولتی، انقلاب ایران را از رون آن به خفگی کشاند ما است و ضرورت انقلابی دیگری را اعلام کرد. در فضای نامساعدی که هنوز توهم توده های عمیقی نسبت به روحانیت وجود داشت، علیه همه جریانهای اپورتونیستی که به طرفداری از روحانیت حاکم پرداخته بودند و در رأس آنها علییه خط خائنانه حزب توده، به مبارزه برخاست. تردیدی نیست که در آن آشفته بازار عوام فریبی "ضد امپریالیستی"، این مبارزه ما متحد و زیاد همچون شناد در خلاف جریان آب بود. اما اکنون که نتایج فاجعه بار سیاستهای خائنانه حزب توده و جناح "اکثریت" فدائیان خلق و سایر جریانهای که مدتی از این یا آن جناح حاکمیت طرفداری می کردند، برهنگان آشکار شده است، حقانیت مواضع ما در این مبارزه روشن تر از آفتاب نیمروز است.

همچنین سازمان ما با اعتقاد عمیق به ضرورت حیاتی پیوند جنبش کمونیستی ایران با جنبش طبقه کارگر و ایجاد یک جنبش انقلابی نیرومند بر محور طبقه کارگر، مدتهاست تمام توش و توان خود را برای سازماندهی مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان بکار گرفته است. مبارزه عملی و نظری ما در راستای این هدف در چند سال گذشته، بیانگر میزان جدیت و صداقت تلاشهای ما است. ما در این حوزه، بدون حسابگریهای حقیر رایج در میان فرقه های سیاسی، نه تنها برای دور ریختن رسوبات تفکر پوپولیستی به یک اعتقاد از خود علنی و صریح دست زدیم، بلکه تحت خشن ترین دوره سرکوب رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، برای استقرار در میان طبقه کارگر، به تجدید آرایش نیروهایمان پرداختیم. تلاش خستگی ناپذیر ما در پنج سال گذشته در زمینه سمت گیری بطرف جنبش کارگری، هم اکنون حقانیت خود را نشان می دهد. گرچه در این راه هنوز موانع جدی و متعدد وجود دارد و زحمت، کوشش و خرافه های فرقه ای پاره ای جریانهای چپ، سازماندهی توده های طبقه کارگر و زحمتکشان را مشکل می سازد، اما، هر روز که می گذرد بی اعتنائی به جنبش طبقه کارگر - البته قبل از هر چیز، از برکت تداوم خود این جنبش - بیش از پیش ناممکن می گردد.

در چند سال گذشته، سازمان ما در مقابل پوپولیسم، فرمیسم طیف توده های، و نیز در مقابل گرایشات سوسیال دموکراتیک در میان روشنفکران و پاره ای سازمانهای سیاسی که در پوشش مبارزه با پوپولیسم، انواع آموزشهای بورژوازی را اشاعه می دهند، به دفاع قاطع از لنینیسم برخاسته است. در راستای پیروی از اصول لنینی مبارزه پرولتاریائی، به نقد دشمنی اشتباهات، انحرافات و ضعفهای خود پرداخته و بارها با صریح ترین شیوه انتقاد از خود - که ما به سوه - استفاده پاره ای فرقه های چپ نیز قرار گرفته اند - نشان داد ما است که منافع انقلابی طبقه کارگر را بر هر چیز دیگر مقدم می شمارد.

در شرایط کنونی که بن بست جنگ هستی سوز ایران و عراق، گسترش بی سابقه نفرت توده های از حاکمیت رژیم ولایت فقیه، از هم گسیختگی کامل اقتصاد، ویرانی صد ها شهر و هزاران روستا و خانه خرابی میلیونی زحمتکش و بیگاری میلیونی کارگران، و بالاخره تشدید تناقضات درونی رژیم، کشور را در آستانه دوره ای سرنوشت ساز قرار داده، در وره ای که زهر جرقه کوچک ممکن است آتش سراسری انقلاب مشتعل گردد، سازمان ما تلاش خود را بر فراهم سازی زمینه اتحاد عملی و انتقال نهی انقلابی برای سازماندهی هر چه گسترده تر مبارزات کارگران و زحمتکشان متمرکز کرده است. در این زمینه ما پیشنهادات مشخصی ارائه دادیم و موضع مان را در باره مبنای این اتحاد عملی و انتقال نهاد رقطعنا همه های پلنوم کمیته مرکزی در دی ماه ۵۸ اعلام کردیم. در این زمینه ما بر این اعتقاد هستیم که جنبش چپ در معنای وسیع و همه جانبه خود، تنها به سازمانها و گروههای سیاسی معینی محدود نمی گردد، بلکه ما به ازای اجتماعی آن در میان کارگران و زحمتکشان را نیز در برمی گیرد. توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان که با اعتصابات و تظاهرات و با دفاع از مساکن و حقوق کار خود در برابر رژیم ولایت فقیه دست به مبارزه می زنند و خواستار بهبود زندگی و آیند های روشن برای خود و فرزندانشان هستند. اینها هستند که پایگاه اجتماعی چپ ایران را تشکیل می دهند، پایگاهی که بطور خود بخودی و علی رغم سطح نازل آگاهی و تشکل خویش در راه اهدا افی که چپ به تبلیغ و سازماندهی آن کمر بسته است، می ریزند. آنها به سالهای انقلاب، به دست آوردن های انقلاب می اندیشند و آتش آنرا در قلب خویش و در مبارزات روزمره خویش شعله ور نگاه می دارند. آنها خواستار حفظ سپاه و ارتش و سایر دستگاههای سرکوب نیستند، آنها روزهای مسلح شدن خلق در انقلاب بهمین راه می آیند، آنها به روزهای جنبش شورائی، به اعتصاب شکوهمند کارگران، به برقراری کنترل کارگری، به مصادره اراضی، به کمیته ها و شوراهای دهقانان و در ترکمن صحرا، کردستان و... می اندیشند. آنها که خود این حماسه ها را آفریدند و خود این تشکلهای سازماندهی را دادند، در راهش جنگیدند و با زهم خواهند جنگید. برای سازماندهی این نیروی عظیم که هر روز بیش از پیش به ضرورت تشدید مبارزه علیه روحانیت حاکم متقاعد می شوند و از افسریه تا قلعه حسن خان، از دب آهن تا کاناداد رای تهران، از کردستان تا دشتهای تشنه بلوچستان، اینجا و آنجا جرقه های مبارزه را برمی آفرینند، باید با سرعت هر چه تمام تر اقدام کرد. ما برای پیشبرد این مبارزات، سیاست تشکیل "جبهه دموکراتیک - ضد امپریالیستی" و نیز "جبهه واحد کارگری" را پیشنهاد می کنیم. "جبهه دموکراتیک - ضد امپریالیستی" جبهه ای است برای سرنگونی رژیم حاکم، برای مبارزه در راه خواسته های دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده های زحمتکش ایران. این جبهه، همه آنها را که میخواهند برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تعمیق مبارزات مردم ایران، برای دموکراسی و تحقق اهداف روزمره کارگران و زحمتکشان ایران، برای برقراری نهاد های مردمی به جای ارگانهای سرکوب ولتی برقرار زردم، و برای برآوردن خواسته های حد اقل و فوری آنان مبارزه می کنند، مخاطب قرار می دهد. ما با ارائه این طرح و اعلام آمادگی برای شرکت در چنین جبهه ای از کمونیست بودن خود دست نمی کشیم بلکه بطا به کمونیست و با دفاع از حق خود برای سازماندهی مستقل برای دموکراسی و سوسیالیسم در چنین جبهه ای شرکت می کنیم. ما اعتقاد داریم که در شرایط امروز ایران هیچ طبقه ای به انداز طبقه کارگر، از گسترش مبارزه دموکراتیک و امکانات دموکراتیک سود نخواهد برد. طبقه ای که در اوج اختلافات خونین رژیم ولایت فقیه با رها توانسته است این رژیم اهریمنی را به عقب نشینی واداره، در شرایط دموکراتیک بهتر از زهم خواهد جنگید و در مکتب مبارزه برای دموکراسی، در سوسوسیالیسم فرا خواهد گرفت و خود را برای مبارزه اصلی، یعنی انقلاب پرولتری تجهیز خواهد کرد. این جبهه امکانات واقعی برای تحقق ائتلاف طبقه کارگر و سایر اقشار و طبقات زحمتکش را فراهم خواهد کرد. ائتلافی که

مسلمای پیش شرط سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. بنابراین ماضوریت ایجاد چنین جبهه‌ای راطرح می‌کنیم حتی اگر امروز چشم‌اندازی برای تشکیل سریع آن وجود نداشته باشد، به مبارزه و تبلیغ دائمی درباره آن دست می‌زنیم تا بتوان مشکلات را از سر راه آن برداشت.

اما "جبهه واحد کارگری" در طرح انقلابی ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این جبهه بمنظور ایجاد اتحاد عمل گسترده میان کارگران پیشرو و همچنین فعالین گروه‌های سیاسی مختلف که در زماندهی مبارزات طبقه کارگر شرکت می‌کنند، پیشنهاد شده است. هدف آن قبل از هر چیز پیشبرد امر سازماندهی مبارزه اتحادیه‌های طبقه کارگر در شرایطی است که این طبقه فاقد سازمان توده‌های خویش است و گذشته از آن بدلیل سیاستهای ناد رست تاکنونی فعالین و مبارزین کارگری، از یواکنندگی گسترده‌ای رنج می‌برد. این در شرایطی است که توده کارگران برای پیشبرد سازماندهی حرکات خود به تلاش عظیمی دست می‌زنند و در روند این تلاشها قشری از کارگران پیشرو شکل گرفته است که حامل تجربیات ارزنده‌ای از مبارزه صنفی در شرایط کنونی است. این جبهه امکان بسط و استفاده از این تجربیات را در سطحی بر مراتب گسترده‌تر از تمام سبهای فردی یا محلی کنونی فراهم می‌سازد و حداقل از زمین اشتغال و هم‌هنگی برای تضمین ادامه کاری و پیشروی مبارزات کارگری رابدست می‌دهد. اکنون غالب نیروها و سازمانهای سیاسی چپ و غیرچپ به اهمیت نقش طبقه کارگر در انقلاب پی برده‌اند. آنها نقش تعیین‌کننده طبقه کارگر و اعصاب شکوهمند سراسری آن در انقلاب بهمن را به چشم دیدند. بنابراین امروز همه دم از طبقه کارگری می‌زنند. اما در شرایطی که دیگران طبقه کارگر را برای انقلاب می‌خواهند، کمونیستها وظیفه انقلاب توسط کارگران و برای کارگران را پیش روی خود می‌گذارند. این امر مستلزم سازماندهی طبقه کارگر در سطح مختلف مبارزه طبقاتی آن است. در شرایط امروزه مبارزات این طبقه هنوز به سطح مبارزات پراکنده صنفی محدود می‌شود، گرد آورده حد اکثر نیرو برای سازماندهی خود کارگران در رسترتهمین مبارزات جاری اهمیت فوق العاده پیدا کرده است. زیرا در فضای سیاسی متلاطم ایران هر حادثه کوچک می‌تواند به سرعت به ارتقاء این مبارزات و سیاسی شدن سریع آنها بیانجامد. در این صورت "جبهه واحد کارگری" ظرف مناسبی برای طبقه کارگر و انقلاب بین کمونیست فراهم می‌آورد که اتحاد عمل و حرکت هرچه متشکل تر و هم‌ماهنگ تر خود را برای خیزشهای انقلابی اصلی سازمان دهند. این تأکیدی است که از زمان کمینترن تاکنون د اثما توسط رهبران جنبش کارگری و کمونیستی صورت گرفته است.

سازمان ضمن توجه به اهمیت اتحاد عملها و انقلابهای انقلابی برای سازماندهی توده‌های کارگران و زحمتکشان، عمیقاً بر این اعتقاد است که طبقه کارگر ایران بیش از هر زمان دیگر از فقدان حزب انقلابی خود رنج می‌برد، حزبی که بتواند پیشروترین و رزمنده ترین بخش کمونیستها و پیشروان کارگری را در صفوف خود گرد آورد، حزبی که بدون آن صحبت از تدرک برای یک انقلاب پیروزمند پرولتری و دفاع از آن ممکن نخواهد بود. سازمان ما با آگاهی از این ضرورت، به سهم خود تلاش مد اومی برای پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر ایران انجام داده و اکنون با ارائه یک پیش نویس مشخص برنامه، در راستای تدقیق مرزبندیها و هد فهای خود، گام عملی مهمی در مبارزه برای تشکیل حزب طبقه کارگر ایران برداشته است. ما اعتقاد داریم که ضرورت وحدت و غلبه بریراکنندگی حاکم در جنبش کمونیستی ایران نباید بر ضرورت دفاع اصولی از موازین مارکسیسم - لنینیسم و لزوم وحدت بر اساس این مبانی سایه بی افکند. ما همانند لنین معتقدیم "قبل از آنکه متحد شویم و برای آنکه متحد شویم، باید اختلافاتمان را، نقاط اشتراک و افتراق را با صراحت مشخص کنیم". پیش نویس برنامه ما با چنین روحی نوشته شده است. ما از همه کمونیستها و سازمانهای انقلابی دعوت می‌کنیم تا با برخورد انتقادی به مواضع بیان شده در این پیش نویس به روشن شدن مسائل یاری رسانند. تردیدی نیست که همه اعضا و هواداران سازمان با دقت و مشکافانه مفاد این پیش نویس را مورد بررسی قرار خواهند داد و با نظرات اصلاحی و انتقادی خود، به تکمیل یا تغییر آن یاری خواهند رسانند.

در زمینه گسترش فعالیت انقلابی، سازمان ما با برپایی رادیو "صدای کارگر" گام مهم دیگری برداشته. در شرایطی که کشور ما در یک التهاب سیاسی واقعی به سر می‌برد، محدودیتهای فنی، دشواری توزیع نشریات در شرایط مخفی، و اختلال ناشی از سرکوب وحشیانه رژیم در ارتباطات سازمانی، محدودیتهای زیادی در تبلیغات سازماندهی ما بوجود می‌آورد. برای جبران این نقیصه، و برای جبران کاستیهای موجود در سازماندهی تبلیغ و ترویج انقلابی زنده و به موقع، و در ارتباط فعال تر با اعضا و هواداران سازمان، برپایی رادیو "صدای کارگر" یک ضرورت اساسی بود. "صدای کارگر" که از نیمه دوم سال ۵۶ به بخش برنامه‌های آزمایشی برداشته بود، از روز اول ماه مه، روز جهانی کارگران، برنامه‌های خود را رسماً آغاز کرده است. امید داریم رادیو "صدای کارگر" در تحکیم پیوند ما با همه انقلاب بین کمونیست، کارگران پیشرو، و زحمتکشان و آزاد یخواهان ایران، نقش مؤثری ایفا کند. و از همه اعضا و هواداران سازمان در ایران دعوت می‌کنیم تا پیامها و برنامه‌های آنرا با دقت ویژه دنبال کنند و از این طریق ارتباطات خود را با سازمان تقویت و تنظیم نمایند.

در آغاز نهمین سال فعالیت انقلابی سازمان، به همه "راهکارگیرها"، به همه اعضا، هواداران و حامیان سازمان، که با تلاشهای فد اکارانه و با جان - فشانیهای خود ادامه فعالیت و حیات این سازمان را ممکن گردانیدند، سپاسگزارانه درود می‌فرستیم. حیات این سازمان بدوین تکیه بر جان بازی قهرمانانه اعضا و هواداران آن بی تردید ناممکن بود. در طول هشت سال گذشته، فعالیت سازمان ما به بهای شهادت صد هاتن و اسارت چندین هزار تن از فعالین آن تد اوم یافته است. در آغاز نهمین سال فعالیت سازمان، به رفقای شهید سازمان و به همه شهدای جنبش کمونیستی و انقلابی، به پهلوانانی که در ران و سیاه توبه و خیانت، دلاورانه بر آرم نشان پای فشردند، و همچنین به همه یاران اسیری که با مقاومت در برابر رژیم ارتجاعی و ددمنش ولایت فقیه، پیام انقلاب را در بلای سنگها و میله‌های زندانها زند نگه داشته‌اند و در زحیمان را به ستوه آورده‌اند، و به همه خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی که با پاپیای فرزندان، همسران، برادران و خواهران اسیر و شهیدشان رنجهای طاقت فرسای مقاومت را تحمل کرده‌اند و می‌کنند و پشتوانه جاویدانی از نوزی انقلابی فراهم می‌سازند، درود می‌فرستیم و سوسگند یاد می‌کنیم تا پای جان در راه ما راهشان بکوشیم، تا پرچم سرخ پرولتاریای جهانی همواره در رهبر شرایطی برافراشته بماند. بردرفش خونین پرولتاریای جهانی، قطرات خون دها هزار تن از کمونیستها و کارگران ایرانی در کنار دیگر برادران هم‌رزم و هم طبقه‌شان نقش بسته است. می‌کوشیم تا همواره سرفرازمانیم تا انقلاب سوسیالیستی این درفش را بر فراز ایران جاودان سازد. آبستن فتح ماست این پیکار.

زند هباد آزادی، زند هباد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اول تیرماه ۱۳۶۶

با پیام کارگر همکاری کنید و برای آن بنویسید!

کمونیستی و تبلیغ دستاورد های آن، د فاع از جنبش صلح، پشتیبانی از جنبش جوانان و ... به گزارشات، مقالات، اسناد، نقدها، آثار هنری (شعر، عکس، طرح و ...) نیاز دارد. صفحات پیام کارگر در هر یک از این زمینه‌ها بر روی نوشته‌ها و آثارتان باز است.

اساسی خود یعنی افشای ماهیت و عملکرد های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، طرح مطالبات و مشکلات ایرانیان مهاجر و ککبه سازماندهی جنبش آنها، پشتیبانی از اتحاد عملهای انقلابی و د مکرراتیک نیروهای ترقیخواه، تبلیغ و معرفی هنر پیشرو، دفاع از جنبش جهانی کارگری و

رفقا و دوستان مبارز! "پیام کارگر" برای پیشبرد بهتر وظایف خود به همکاری و کمک شما نیازمند است. واضح است که محتوای نشریه ما و طبعاً شکل عرضه آن نیز بدوین یک رابطه زنده و متقابل میان ما و شما نتیجه مطلوب بیار نخواهد آورد، "پیام کارگر" در چهارچوب وظایف



اطلاعيه

زندانیان سیاسی در اعتصاب غذا بسر می برند!

کارگران ، زحمتکشان و مردم آزاد ه ایران !
سازمانهای انقلابی و مترقی !
مردم آزاد یخواه جهان !

در هفته‌های اخیر ، بار دیگر ، زندانیان سیاسی زن و مرد در زندانهای اوین و گوهردشت به اعتصاب غذا دست زدند . بدنبال این اقدام قهرمانانانه زندانیان سیاسی در سیاهچالهای رژیم اسلامی ، مزدوران رژیم ملاقات زندانیان را با خانواده‌ها پشان قطع کردند تا خیر این اعتصاب به مردم نرسد و جنایتکاران رژیم اسلامی بتوانند در سکوت و تاریکی و در پشت دیوارهای زندانها به سرکوب و کشتار زندانیان سیاسی دست بزنند .

ادامه این اعتصاب قهرمانانانه زندانیان سیاسی باعث شد که مزدوران رژیم ولایت فقیه برای پایان دادن به اعتصاب غذا ، به ضرب و شتم زندانیان سیاسی بپردازند و با ایجاد درگیری و اعمال شکنجه‌های وحشیانه و غیرانسانی در زندانها ، در هم شکستن اعتصاب غذا بپردازند . اما علیرغم تمامی این جنایات و شقاوت‌های ضد بشری مزدوران رژیم ، اعتصاب غذا همچنان ادامه یافته است .

رژیم جمهوری اسلامی که نه تنها شیوه‌های رژیم شاه را در اعمال شکنجه نظیر شلاق زدن ، سوزاندن ، شوک الکتریکی ، بی‌خوابی دادن و غیره را احیا کرده و وسیع‌تر آن را به کار می‌گیرد ، بلکه روشهای وحشیانه‌تری را نیز از مزدوران بربریت به کار گرفته و بر آن افزود ، از آن جمله اند : قطع اعضای بدن ، نگهداری کودکانه در زندانهای کثیف و تاریک و ممنوعیت دیدار با خانواده و شکنجه‌شان در برابر چشم‌مان و والدین آنها ، منع مادران از شیر دادن به نوزادان خود ، چشم بسته نگهداشتن زندانیان به مدت چند ماه ، برپایی مراسم ساختگی تیرباران برای زندانیان چشم بسته و محوطه زندان و حتی در داخل سلولها ، کشیدن خون زندانیان برای پاسداری از زخمی در رجبیه‌ها و تجاوز به دختران پیش از اجرای حکم اعدام . . . اما تمامی این اعمال جنایتکارانه ضد بشری نتوانسته است در عزم خلل ناپذیر زندانیان سیاسی در پیگیری مبارزه و مقاومت علیه رژیم اسلامی و پایداری به آرمانشان تزلزلی ایجاد نماید .

رژیم جمهوری اسلامی ناتوان از در هم شکستن اراده استواران انقلابیون اسیر ، اینکه در سراسر شب سقوط افتاد است ، به همراه اعمال وحشیانه فوق ، شرایط مرگ تدریجی زندانیان سیاسی را نیز فراهم ساخته است . آزار و شکنجه مداوم زندانیان سیاسی ، گرسنگی مزمن و وضع بسیار بد غذایی ، وضع بد بهداشتی و در نتیجه شیوع بیماریهای عفونی ، ریوی ، پوستی ، استخوانی و . . . باعث شده است که زندانیان سیاسی زن و مرد در زندانهای اوین و گوهردشت بار دیگر اقدام به اعتصاب غذا نمایند ، تا بتوانند از این طریق اعتراض خود را به این روشهای غیرانسانی به گوش مردم آزادی خواه ایران و جهان برسانند . سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ، بار دیگر زنده‌سازمانهای مترقی و مردم آزادی خواه و بشر دوست ، برای حمایت و پشتیبانی از مبارزه و خواست برحق زندانیان سیاسی ، مبارزه برای قطع شکنجه و اعدام ، برای آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی و افشای هر چه گسترده‌تر و مؤثرتر جنایات رژیم جمهوری اسلامی در زندانهای ایران یاری می‌طلبد .

علیه شکنجه و اعدام و برای رهایی زندانیان سیاسی متحد ایما خیزیم !

دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۲ / خرداد / ۱۳۶۶

سازمان عفوبین الملل رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کند!

علیه زندانیان سیاسی و نقض همه جانبه حقوق انسانی .

در اسناد منتشره از طرف عفوبین الملل از مجازات مرگ و اعدام برای زندانیان عقیدتی ، اعمال انواع شکنجه‌های روانی و جسمی ، برخورد ار نبودن زندانیان سیاسی از حق وکیل و دفاع ، محاکمات ناعادلانه ، دستگیری‌های بی‌رویه اعدام و مجازات کودکانه و پیران (که در تمام دنیا از مجازات‌های سنگین معاند) شدیدا ابراز نگرانی گردیده و توصیه شده است قوانین و مجازات مغایر با شأن انسان ملفی و قوانین منطبق با میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی جایگزین آنها گردد .

در بخش پایانی اسناد صاحبچه چهار نفر از زندانیان سیاسی سابق بعنوان شهادت نامه آورده شده و برای اثبات نقض حقوق بشر به شهادت دهبانفرد یگراستناد گردیده ، که هر کدام به نوبه خود افشاگر گوشه‌ای از جنایات رژیم است .

نیروهای انقلابی مبدل نمودند .

در حالیکه موج اعتصابات غذای ایرانیان در شهرهای مختلف اروپا و آمریکا به حمایت از زندانیان سیاسی هنوز فروکش نکرده ، اسناد سازمان عفوبین الملل در خصوص اعمال شکنجه و اعدام ، علیه زندانیان سیاسی و نقض حقوق بشر در ایران انتشار می‌یابد و خود تأییدی است بر افشاکگری سازمانهای انقلابی و موکرات در داخل و خارج کشور !

عفوبین الملل که در زمان حکومت شاه جلاد در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی نقش مثبتی ایفا کرد ، طی سالهای اخیر نیز کوشش‌های وسیعی را جهت دریافت اجازه از جمهوری اسلامی بسر ای با زدی ا زندانها به عمل آورد اما رژیم در منش قهقرا برای جلوگیری از افشای جنایات هایش علیه زندانیان سیاسی نه به نمایندگان این سازمان و نه به نمایندگان منتخب کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد پاسخ مثبت نداد . هاست ، همین امر خود دلیل روشنی است بر اعمال شکنجه‌های وحشیانه

مسئله زندانیان سیاسی ایران بعنوان پدیدهای استثنائی در سطح جهان شهرت عام یافته است . محکومیت‌های مکرر جمهوری اسلامی در کمیته حقوق بشر سازمان ملل و تأیید آن با اکثریت آراء نمایندگان دولت هاد در مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای هیچکس تردیدی باقی نمانده است که رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی چه فجایعی مرتکب می‌شود !

شدت فشار بر زندانیان سیاسی در یکسال گذشته به حدی افزایش یافته ، که زندانیان با تمام وجود خطر شکنجه‌های وحشیانه و اعدام را به جان خریده و به کرات دست به اعتصاب ملاقات و اعتصاب غذا زدند و اگرچه پاسخ رژیم به اعتصابات چوبه‌های داری بوده و استمرار شکنجه ، اما انعکاس مبارزات قهرمانانه زندانیان سیاسی از طریق خانواده‌ها پشان در جامعه ، مسئله زندانیان سیاسی و دفاع از آنان را در خواسته‌های دموکراتیک نشانده ، و دفاع از زندانیان سیاسی را به یکی از مهمترین وظیفه‌های

حزب جمهوری اسلامی منحل شد

داشت برکنار بماند و طمع جناحهای مختلف قدرت را برای تصاحب موقعیت های کلیدی آن و بطور کلی غلبه بر حزب تحریک نکند. نتیجه درگیریهایی داخلی در حزب طی شش سال گذشته نهایتاً به برتری جناح بورژوازی بازار منتهی گردیده بورژوازی با استفاده از این موقعیت برتر و بهره گرفتن از قدرت سازمانگری وسیع حزب نقشه پیشرویهایی خود را به راس قدرت و منبری کردن جناحهای دیگر به مورد اجرا میگذاشت. میزان نفوذ این جناح از بورژوازی در مراجع قدرت سیاسی و اقتصادی، در بازار، در مراجع تقلید، ائمه جماعت، قضات شرع، کمیته ها، پاسداران، شبکه های پیوسته سازمان اقتصاد اسلامی، صندوق جاوید، اتاق بازرگانی، کمیسیون های مختلف بازرگانی و اقتصاد و اداری مجلس به مرحله تهدید کننده ای رسیده است. در همین حال پیشروی های این جناح همزمان است با ضعف های جناح سلطه رژیم در عرصه های مهم اقتصادی سیاسی و ویژه جنگ. این در حالیست که مجلس شورای اسلامی به پایان دوره دوم خود نزدیک میشود و مبارزگی برای پیروزی بیشتر در انتخابات شروع شده است و مدتی است جناحها به خالی کردن زیرپای یکدیگر مشغولند. در موقعیت شکننده و دشواری که رژیم ولایت فقیه و آن گرفتار شده است تشدید اینگونه رقابتها اجتناب ناپذیر و بهمان میزان خطرناک اند. هر چه رژیم بیشتر در بحران و تناقضات خود فرو میگردد بر شدت تضاد های درونی اش افزوده میگردد. و از همین رو سکندران اصلی رژیم ناچار از توسل به کودتاها و ریزش دولت علیه رقبای خود برای حفظ تعادل قوا به نفع خویش اند. انحلال حزب جمهوری اسلامی را نیز باید در راستای چنین تناقضات و انحلال مورد بررسی قرار داد.

بنا به نوشته کیهان سه شنبه ۱۲ خرداد، "حزب جمهوری اسلامی با نظر امام خمینی تعطیل شد!"
موضوع انحلال حزب جمهوری اسلامی را باید بر زمینه های از گسترش بحران عمومی جامعه و تاثیر نزاعهای درونی رژیم که آن را به لبه پرتگاه کشانده است مورد بررسی قرار داد. در واقع همانگونه که تشکیل حزب جمهوری اسلامی برای گسترش پایه های اقتدار حاکمیت ولایت فقیه ضرورت داشت، انحلال آن نیز در موقعیت متزلزل کنونی که هر دو رگبری درونی همچون آتش باری در انبار باروت هستی رژیم را بمخاطره میاندازد لازم بود. یعنی اگر زمانی وظیفه حزب انجام بخشیدن به قسوی روحانیت و یکپارچه کردن صفوف هواخواهان آن بود، امروز وجود خود حزب به یک عامل پراکنندگی مبدل شده است. این واقعیتی است که بخوبی در نامه مشترک خامنه ای - رفسنجانی به خمینی منعکس است.
اصولاً، حزب جمهوری اسلامی همواره یکی از کانون های حاد توطئه و پند باری میان جناحهای مختلف رژیم را تشکیل میداده است. اما این تضاد ها در مرحله ای از حیات حزب تحت الشعاع مبارزه با اپوزیسیون های خارج از قدرت یا حاشیه آن قرار داشته است. برای مثال در جریان تصفیه و عزل ابوالحسن بنی صدر بنظر میسرید که حزب از انسجام کامل برخوردار است. ولی درست از همین تاریخ به موازات آغاز درگیریهای جدید میان دسته های دیگر از مؤلفین رژیم، در داخل حزب جمهوری اسلامی نیز جنگ و دندنان نشان دادن ها میان جناحها شروع گردید. اصولاً بخاطر نقش و اهمیت سیاسی که حزب از آن برخوردار بود نمی توانست از سیر تضادها و تعارضاتی که دائماً رو شدت

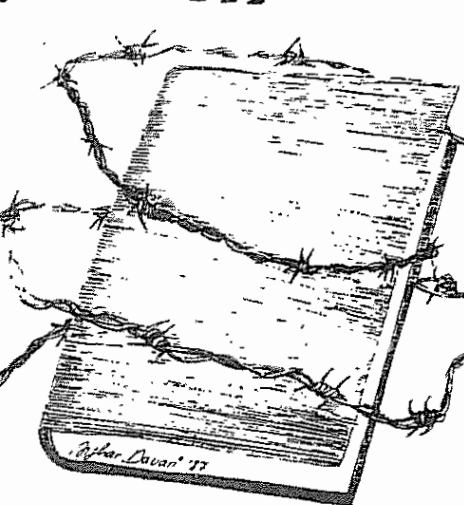
ارگانهای سرکوبگر و در راه تبلیغات جنگ قرار می دهد، بنابراین مسئله تنهاد رگبورد کاغذ خلاصه نمی شود.
چگونه است که رژیم برای نهاد های ارتجاعی "سپاه"، "کمیته ها"، "انجمن های اسلامی"، "سازمان تبلیغات اسلامی"، "حوزه تبلیغات قم"، و "روابط عمومی وزارتخانه ها و سازمان های دولتی" انواع کاغذ های مژوب را فراهم می آورد تا تهرات ارتجاعی سیاسی - ایدئولوژیک خود را در تیراژ وسیع چاپ و پخش نمایند؟ اما برای جامعه ای بیا سابقه فرهنگ و مدنیت کهن با بیش از ده میلیون تحصیلکرده، صد ها هزار دانشجو و معلم و ده میلیون دانش آموز در شش ماه فقط دوازده کتاب یعنی ماهیانه دوجلد کتاب چاپ می شود؟

شده توسط ارشاد اسلامی ۱۹۳۱ عنوان، و تیراژ آن ۱۳۰۸۴۰۵۰ جلد بود و نیمه دوم سال ۶۵ حدود ۱۸۰۰ عنوان تأیید گرفته اند که طبق اطلاعات فقط برای ۱۲ عنوان کاغذ موجود است. (کیهان ۲۴/۱/۶۶)
گزارش نشان می دهد تیراژ عنوان کتاب هایی که مجوز انتشار گرفته اند در مدت دو سال به نصف کاهش یافته و از لحاظ تیراژ کل به کمتر از یک سوم رسیده است.
بدیهی است رژیمی که تمامی منابع مادی جامعه را به مصرف جنگ خانمان سوز و ارتجاعی می رساند نمی تواند به نیا زهای ضروری مردم منجمله نیا زهای فرهنگی آنها علاقمند باشد. دقیقاً به همین علت است که آن مقدار کاغذ موجود را هم در اختیار

در ماه فقط دوجلد کتاب چاپ می شود! به راستی که این یک خبرتکان دهنده است! پسر اساس سلسله گزارش های روزکیهان "در نیمه دوم سال ۱۳۶۵، از ۱۸۰۰ عنوان کتاب که مجوز انتشار در ریافت داشته اند تنها ۱۲ عنوان از چاپ خارج شده و بقیه روی دست ناشران، نویسندگان و مترجمان باقی مانده است.
طی هشت سالی که از انقلاب می گذرد، رژیم جنایتکار و فقها روز بروز همواره با گسترش سرکوب سیاسی به تشدید اختناق فرهنگی پرداخته است. بعد از نوسازی و تجدید سازمان دستگا ههای سانسور و بخد مت گرفتن سانسورچی های حرفه ای و تعلیم یافته و کنترل همه جانبه و مدخله مستمر و امرانتشار و پخش کتاب و قبضه کردن مؤسسات

کمبود کاغذ، سانسور و اختناق فرهنگی

اگر کودک در بستانی کاغذ برای نوشتن نمی یابد و اگر دانشجو یا کمبود کتاب مواجه است و اگر ناشران ناچار می شوند کسب و کار خویش را تعطیل کنند و بدنیال کسب و کار دیگری بروند و اگر نویسندگان و مترجمان و آفرینندگان آثار هنری و فرهنگی از کار باز می مانند این هنوز تمامی فاجعه نیست، ابعاد فاجعه در ترو اختناق است که با انقلاب فرهنگی گسترده شد و با تحمیل ایدئولوژی ارتجاعی فقهاتی به تمام شئون اجتماعی حیات فرهنگی جامعه را به رکود و تباهی کشانده است. کمبود کاغذ اکنون مستمسکی است در دست رژیم تا مانع از انتشار کتاب های خوب گردیده و برود امنه فقر فرهنگی همچنان بی افزایش روزی که اگر امانه یابند عواقبی به مراتب وخامت بارتر از جنگ ارتجاعی به بار خواهد آورد!



بزرگ مطبوعاتی و انتشاراتی و در هم شکستن قلمها و پایمال ساختن ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک جامعه و آزادی های اساسی، اینک حربه کاغذ هم بخد مت گرفته می شود تا سبطره اهریمنی خود راهمه جانبه تر تکمیل کند.
در گزارش کیهان آمده است:
"در حال حاضر بازار انتشارات بسیار راکد است برای مثال در سال ۱۳۶۲ حدود ۸۱۱ عنوان کتاب از ارشاد اسلامی "مجوز چاپ گرفته اند که تیراژ کل آنها در این سال ۱۷۷۱۵۳۵ بود. در سال ۳۴ عدد عنوان تأیید شده از سوی وزارت ارشاد اسلامی ۳۷۶ عنوان بوده و تیراژ آن نیز ۲۰۳۳۶۴۲۸ جلد بوده است. سال ۴۴ عدد عنوان تأیید شده ۵۴۴۸ عنوان و تیراژ ۶۱۲۲۴۱۵ جلد می باشد و در نیمه اول سال ۵۵ عنوان تأیید

قطعه نامه مشترک

خلق رزنده کرد!
کارگران و زحمتکشان ایران!
احزاب و سازمانهای انقلابی سراسر جهان!

نظریه اینکه اکنون بیش از دو سال است، در رگیبهای خونینی بین حزب د مکرزات کردستان ایران و سازمان حزب کمونیست ایران - کوهله در جنبش خلق کرد جریان دارد، و در طول این در رگیبها صد هاتن از پیشمرگان قهرمان کرد، به خون در غلطیده اند، و از هگد راین در رگیبها جنبش خلق کسرد برای حق تعیین سرنوشت خویش و رهائی از ستم ملی و طبقاتی، و انقلاب خلقهای سراسر ایران در پیوند با آن، متحمل لطماتی جبران ناپذیر شده است. نظریه اینکه ادماه این در رگیبها، جزیه ضرر جنبش خلق رزنده کرد و جنبش سراسری نبوده و مانع از آن می گردد که همه تفنگها به سوی رژیم ضد - انقلابی و ضد خلقی جمهوری اسلامی نشانه رود.

نظریه اینکه توده های خلق کرد و عموم کارگران و زحمتکشان ایران، خواهان پایان این جنگ زیانبار هستند.

مانیروهای سیاسی امضاء کنند، زیر، از و طرف در رگیر مؤکد امی خواهیم:

۱) جنگ را فوراً قطع نمایند.

۲) اختلافات خود را به طرق سیاسی، حل و فصل کنند.

۳) به آزادی تبلیغ و ترویج و حق فعالیت سیاسی - نظامی متعهد شوند.

بر این اساس، ما آمادگی کامل خود، برای هرگونه شرکت فعال جهت پایان دادن به این در رگیبها را اعلام می داریم.

شیخ عزالدین حسینی

چریکهای فدائی خلق ایران

چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رها فینبخش خلقهای ایران)

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

د فترسیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کوهله یکسانی کردستان - ایران

خرداد ۱۳۶۶

بیانیه مشترک

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

و

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



سازمان کارگران انقلابی ایران

۱- مطالبات کارگری و ایجاد تشکل های مستقل توده ای کارگران، دو سال زمان از کلیه فعالین و سازمانگران خود در جنبش کارگری و سایر فعالین این جنبش صرف نظر از اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی دعوت می نماید تا در راستای سازماندهی مطالبات کارگری و ایجاد تشکل های مستقل توده ای کارگران گام بردارند.

۲- درخواستهای دموکراتیک توده ها، از جمله سازماندهی جنبش ضد جنگ توده ها در راستای تبدیل جنگ ارتجاعی کنونی به جنگ داخلی علیه رژیم جمهوری اسلامی، دفاع از آزادیهای سیاسی و حقوق خلقهای تحت ستم.

۳- گسترش اتحاد عمل در خارج از کشور، حول افشای رژیم جمهوری اسلامی، همکاری در تشکل های دموکراتیک و اتحاد عمل در رابطه با دفاع از زندانیان سیاسی.

۴- گسترش همکاریهای فنی و تکنیکی، (در این زمینه دو سال زمان در عرصه همکاریهای فنی رادیوشی گامهای مؤثری برداشته اند).

دو سازمان معتقدند اتحاد عمل های فوق می تواند در راستای تحقق و گسترش هر چه بیشتر اتحاد عمل میان نیروهای انقلابی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد.

هر چه گسترده تر با اتحاد عمل نیروهای انقلابی!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۶

جامه ما امروز دوران حماسی را پشت سرمی گذارد، بهران سراسر جامه افرا گرفته است. هر چند که خدا انقلاب جمهوری اسلامی پس از قیام عظیم بهمن، گامی گام به سرکوب مبارزات توده ها پرداخت، ولی بهران انقلابی همچنان ادامه دارد.

امروز بیش از هشت سال است که این رژیم ارتجاعی در انجام رسالت خود، در عرصه است از نظم سرما به داری حاکم بر ایران، سیاست سرکوب و گشتار عربان توده ها را در پیش روی خود قرار داده است. نزدیک به هفت سال است که این رژیم فدائیکشی جنگی ارتجاعی و ویرانگر را بر جامه ما تحمیل نموده و صدها هزار نفر را به گام مرگ و نیستی گشاییده است. جنگ، گشتار، گرانسی، بیگاری، بی خانمانی و تنهایی زندگی توده های کارگرو زحمتکش مشخصه های جدایی ناپذیر این رژیم قرون وسطایی است.

این شرایط ضرورت سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را به هدف عاجل توده های کارگرو زحمتکش جامه ما تبدیل کرده است.

از آنجا که سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی امروز بیش از همه ضرورت بسیج و سازماندهی مبارزات انقلابی توده های کارگرو زحمتکش و ضرورت اتحاد عمل گسترده نیروهای انقلابی را می طلبد و از آنجا که نیروی اصلی بسیج و سازماندهی مبارزه انقلابی توده ها همانا کارگران می باشند و سازماندهی مبارزه توده کارگران از اهمیت درجه اول برخوردار است:

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مصمم هستند صرف نظر از اختلافات ایدئولوژیک سیاسی خود - که برخورداریدان از طریق دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک علنی صورت خواهد گرفت - بر اساس نقاط اشتراک موجود و برای دستیابی به هدف فوق اتحاد عمل های انقلابی حول موارد زیر بر سازمان دهند:



یک پناهنده سیاسی ایرانی در اعتراض به سیاست های نژاد پرستانه در دانمارک خود سوزی کرد

حمله مزدوران جمهوری اسلامی به پناهندگان ایرانی در کراچی

همانگونه که در خبرهای همین شماره نشریه آمده و پناهندگان ایرانی بدلیل سیاست درمائی UN جان خود را از دست داده اند و در همین رابطه مابیشی از اعلامیه شورائی پناهندگان و آوارگان ایرانی در کراچی را منعکس کردیم. بدنیال حادثه مرگ دل مراد صالح زهی تظاهرات آرام پناهندگان و آوارگان ایرانی مو رد حمله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در کراچی قرار گرفت. رفقای هوادار سازمان طی اطلاعیه ای جزئیات حادثه را منعکس کرده و آنرا محکوم کردند. با درج قسمتی از اعلامیه، خوانندگان نشریه پیام کارگسور را در جریان این حادثه قرار میدهم. "در تاریخ ۸۷/۴/۲۶، هنگامیکه، تسعدادی از مهاجرین به تنگ آمده از سیاستهای ارتجاعی رژیم اسلامی به دعوت شورای پناهندگان و آوارگان در کراچی در اعتراض به مرگ دوتن از پناهندگان ایرانی در طی ماه اخیر که بواسطه مجموعه سیاستهای UN بطورکلی و تضییقاتی که از نقطه نظر پزشکی و درمانی بطور خاص بر آنان رواگشته زندگی خود را از دست داده اند، دست به تظاهرات ایستاده جلوی ساختمان UN می زنند. در لحظات پایانی تظاهرات، ناگهان یک اتوبوس پرازسزدوران حزب اللهی پاکستانی، که به احتمال خیلی زیاد تعدادی از مزدوران اوباش و چماقدار از سوی سفارت رژیم جمهوری اسلامی در پاکستان سازماندهی شده بودند با استفاده از چوب و چماق و اسلحه و کلت و حشیانه و با ایجاد رعب و وحشت و تیراندازی هوایی به صفوف مردان و زنان آواره و تظاهرکننده هجوم می برزند. در طی این یورش وحشیانه که درحدود کمتر از دو دقیقه بطول انجامید دههاتن از پناهندگان با چوب و چماق مورد ضرب و شتم مزدوران رژیم اسلامی قرار میگیرند، که بر اثر شدت جراحات وارده به چند نفر، که موجب شکسته شدن سرو دستشان میگردد، سریعاً و اولین دقایق پس از دریافتی توسط پناهندگان به بیمارستان انتقال داده میشوند"

شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان - کراچی نیز با صدور اطلاعیه افشاگرانه و یک فراخوان پناهندگان و آوارگان ایرانی و هموطنان مبارز را به یک حرکت اعتراضی در مقابل سهل انگاریها و سکوت UN و جنایات جمهوری اسلامی در تاریخ ۸۷/۴/۲۹ در مقابل در ب UN دعوت کرد. روز تظاهرات که تعداد قابل توجهی از پناهندگان در مقابل UN جمع شده بود، با پلیس پاکستان که بد رخواست UN به آنجا آمده بود مواجه شدند و تظاهرکنندگان برای جلوگیری از دریافتی با پلیس به تدریج متفرق گردیدند.

عکسها تعداد زیادی از پناهندگان ایرانی در پاکستان را که در حمله مزدوران رژیم بسختی از سر و صورت زخمی شده و با برخی دست و پایشان شکسته است، نشان می دهد.

دست به اعتصاب غذا خواهد زد. لازم به یادآوری است که مسئولین بیمارستان قبل از این التیما توم به فعات مکرر از صاحب خبرنگاران برای جلوگیری کرده بودند. تهیه به اعتصاب غذا و فشار پناهندگان ایرانی به مسئولین بیمارستان موثر واقع شده بعد از چند روز خبرنگار "پلی تیکن" پرفروش ترین روزنامه دانمارک به اطاق میخراه داده شد. فردای آن روز روزنامه مزبور علت خود سوزی را اعتراض به سیاستهای نژاد پرستانه بر علیه پناهندگان در دانمارک عنوان نمود.

روز ۱۱ ماه به یک از هواداران شمس سلحانه (هم استراتژی، هم تاکتیک) در یکی از محلات کپنهاک خود را آتش زد. برخی از روزنامه های دانمارکی علت خود سوزی را اختلالات روانی فرد پناهنده قلمداد کردند. پناهنده نامبرده که در اثر خود سوزی ۱۸ درصد بدنش (نیم سرخ، سینه، دستها) بشدت آسیب دیده است، در اعتراض به مندرجات روزنامه ها به مسئولین بیمارستان گفت که "اگر خبرنگاران روزنامه ها چه سیاست صاحب با وی به بیمارستان راه داده نشوند

آلمان غربی - نورنبرگ

یک پناهنده گانائی از ترس استرداد خود را حلق آویز کرد

پناهندگان ایرانی هایم شافنوف در نورنبرگ در تاریخ ۸۷/۶/۶ با تحریم غذا به مدت سه هفته خواستهای زیر مطرح کرده و عنوان نمود هاند اگر در این مدت به خواستهای آنها پاسخ مثبت داده نشود، دست به اقدامات دیگری خواهند زد:

- ۱- قطع سیاست رد تقاضاهای پناهندگان سیاسی در دادگاهها بدلیل واهی و به رسمیت شناختن حقوق آنها بعنوان پناهندگان سیاسی
- ۲- کوتاه کردن مدت بلا تکلیفی و رسیدگی سریعتر به پرونده های پناهندگان و ارسال فوری جوابها
- ۳- تغییر محل زندگی پناهندگان از لاگر به منازل مسکونی در یک برنامه زمان بندی شده.

یک پناهنده ۳۲ ساله گانائی که تقاضای پناهندگی وی در آلمان فدرال رد شده بود، روز شنبه ۲۳ ماهه در فرودگاه زوریخ خود را حلق آویز کرد. وی که با یک ویزای ترانزیت از زانوفروارد زوریخ شده بود قصد داشت از کنترل فرودگاه عبور کرده و در سوئیس مجسدات تقاضای پناهندگی کند. ولی پلیس فرودگاه او را دستگیر نمود و با انتقال به محل ترانزیت سوئیس ایرونگهداری او در یک سلول قصد داشت با پرواز بعدی او را به گانابگرداند. حوالی ساعت پرواز، هنگامی که پلیس برای بردن وی به محل بازداشت مراجعه کرد، او خود را به دار آویخته بود!

آلمان غربی - بایرن

هیچدهم ماهه، پناهندگان شهر کوبورگ در اعتراض به نوع و کیفیت غذا، دست به تحریم غذا زدند. در روز بعد پناهندگان شهرهای بادکسینگن بایرون، کولوم باخ، هرب و کولین باخ نیز اعتصاب خود را آغاز کردند. در روز بعد از اعتصاب پناهندگان بادکسینگن، مقامات شهری پذیرفتند که در مقابل غذا به پناهندگان شاین (برگه ای که توسط آن میشود از فروشگاهها خرید کرد، ولی خرید از طریق شاین تحقیق اور و مشکل است) تحویل دهند. اما پناهندگان خواستار پول نقد هستند تا خود بتوانند هنگام خرید براحتی حق انتخاب داشته باشند. گزارش شده است که سهشنبه ۲ ماه یونی اعتصاب بین کوبورگ با مقامات شهری مذاکره کرده و نتیجه ای بدست نیامده اند. پناهندگان تصمیم گرفته اند پس از چند روزاً از تحریم غذا، اگر به خواسته هایشان نرسند، در مرکز شهر دست به تحصن و یا اعتصاب غذا بزنند.



با پیام کارگر همکاری کنید!

سیاست درمانی سازمان ملل در کراچی باعث مرگ یک پناهنده ایرانی گردید!

پناهنده ایرانی د لمراد صالح زهی متولد ۱۳۳۸ سراوان و دانشجوی سابق رشته مهندسی د انشگاه سیستان و بلوچستان بد لیل ابتلا به بیماری یرقان و تشخیص غلط از جانب پزشکان UN (مالا ریا) د تاریخ ۶ فروردین ۱۳۶۶ ساعت ۱۱/۲۰ شب د رگدشت!

د رطول یکسال مرگ د پناهنده ایرانی د کراچی، آنهم از بیماریهای قابل درمان و علاج در عصر ما، گویای عمق فاجعه ای است که نمایندگان سازمان ملل در کراچی از طریق سیاست درمانی خود بوجود آورده است. شرایط اسفبار زندگی صد هاهزار آواره ایرانی در پاکستان و ترکیه موجب بروز حوادثی می گردد که همرانسان آزاد های رانگرا می کند. از جمله اخیرا یک پناهنده ایرانی بخاطر اعتراض به همین شرایط تا مطلوب د مقام مسئول ساختمان UN در آنکارا خود را آتش زد تا ناپیگیری نهاد های بین المللی نظیر حقوق بشر، عفو بین الملل و سازمان ملل را که وظیفه شان د دفاع از حقوق انسانها، از جمله پناهندگان است، افشا کرده و پناهندگان ایرانی د ترکیه و پاکستان وحشیانه د ر باصلاح کشورهای آزاد و مهد د مکرسی را،

هوشیار سازد که تنها و تنها سازمانی پناهندگان د ر همه کشورهای و حرکت هماهنگ آنان قادر خواهد بود قدری از این فضا را کاسته و نهاد های این چنینی را مجبوره اجرای تام و تمام منسورهای خود که د ز روی کاغذها موجود است بنماید.

شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان - کراچی به تاریخ ۱۹۸۷/۴/۱۴ اعلامیه ای ر ا بانوارسیاه با عنوان "سیاستهای UN و از جمله سیاست پزشکی آن در کراچی قربانی ایرانی، افکار مترقی جهان، ونیرو ه و سازمانهای د مکراتیک و انقلابی!" همراه با عکس د لمراد صالح زهی منتشر کرده و د ر آن با د رج بیوگرافی کوتاه د لمراد و چگونگی تراژدی مرگ وی از بیماری یرقان! و افشای سیاستهای غیر انسانی UN از تمامی سازمانها، مجامع، احزاب د مکررات و طرفدار حقوق بشر" خواسته است که هیأتی را برای بررسی واقعه د ر د ناک، د ر سازمانهای YMCA و پزشکان طرف قراردادش اعزام کنند، تا عا ملین مرگ د لمراد صالح زهی و خسرو امیریان شناخته گردند.

آلمان غربی - و تر آو

روز جمعه ۲۲ ماهه پناهندگان ساکن د هتل د ر باد نوهام شهرستان و تر آو متفقا دست به اعتصاب زده و از گرفتن غذا خود د آری کردنند. این عده که حد ود ۲۰۰ نفر بود نسبت به کیفیت غذا اعتراض داشته و خواهان گرفتن پول به جای غذا بودند. اعتصاب تا روز دوشنبه ادامه داشت. اداره امور اجتماعی (سوسیال) شهرکه انتظار چنین حرکتی را از جانب پناهندگان نداشت، روز دوشنبه با گسیل ما مورین خود به محل اعتصاب با پناهندگان اعتصابی وارد مذاکره شد. آنها قبول دادند تا اول ماه ژوئن به خواستهای پناهندگان عمل کنند. پناهندگان اعتصابی با اعلام اینکه اگر تا اول ماه ژوئن به خواستهای آنها جواب مثبت داده نشود د مبارزه اعتصاب خواهند کرد، به حرکت خود خاتمه دادند.

آلمان غربی - و تر آو

پناهندگان ساکن یک هتل د ر باد فیل بل واقع د ر شهرستان و تر آو که قبلا از طریق نامه به اداره امور اجتماعی (سوسیال) به کیفیت نازل غذا اعتراض کرده و د ر خواست کرده بودند بجای غذا، پول آن به پناهندگان پرداخت گردد، روز چهارشنبه ۲۶/۵/۸۷ برای صحبت بهرامین همین موضوع د ر سالن غذاخوری هتل گرد آمدند. خواست پناهندگان مثل دفعات قبل باز به بهانه های مختلف از طرف اداره امور اجتماعی رد شد.

پناهندگان بلافاصله متحداً تصمیم به اعتصاب گرفته و از همان روز از تحویل گرفتن غذا خود د آری کردند. اداره امور اجتماعی که در مقابل اتحاد پناهندگان جا خورده بود سعی کرد با سیاست د فعل الوقت از حرکت اعتراضی آنها جلوگیری نماید. اما پناهندگان که با این فریب اداره امور اجتماعی (سوسیال) آشنائی دارند تا د ر یافت جواب قطعی تصمیم به ادامه اعتصاب گرفتند.

آلمان غربی - موگندورف

پناهندگان ایرانی مقیم هایمها در موگندورف با صدور اطلاعیه ای دست به تحریم غذا زده و خواستهای زیر را مطرح نموده اند:

- ۱- پرداخت پول بجای جیره غذایی
- ۲- دادن منزل مسکونی مستقل به پناهندگان به جای هایمهای کثیف و غیر قابل زندگی
- ۳- پایان دادن به سیاست طولانی کردن بلا تکلیف وضعیت پناهندگی. لازم به یاد آوری است که اخیراً با تصمیم ادگلههای پناهندگی، تعداد د شده ها بمیزان زیادی بالا رفته و این مسئله د ر کنار طولانی شدن رسیدگی ها به وضعیت پناهندگان ها فشارهای فوق العاده ای را به پناهندگان وارد میکند.

پناهندگان ایرانی مقیم موگندورف پس از افشای جنایت جمهوری اسلامی، از مجامع بین المللی، نیروهایی ترقی خواه و بشر دوست خواسته اند به وضعیت بسیار ناگوار و بلا تکلیفی مهاجرین ایرانی د ترکیه و پاکستان توجه نمایند.



اعتصاب غذا برای حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

آلمان غربی - شوالم ادر کرایز

پناهندگان ایرانی در Schwalm-Eder-Kreis ۳۰ نفر و کشتار برای ابراز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران از تاریخ ۸ تا ۱۰ ماهه دست به اعتصاب غذا زدند. آنها همچنین با صدور اعلامیه ای خواهان قطع صدور اسلحه به ایران و عراق شدند. اعتصاب غذا مورد پشتیبانی اهالی منطقه، نمایندگان حزب سبزها، حزب

کمونیت آلمان، اتحادیه جوانان (DGB) کتفد راسیون سراسری اتحادیه های کارگری آلمان، امنستی، شهردار هومبورگ و مسئول کلیسای Evangelisch قرار گرفت. د ر طول اعتصاب تعدادی از افراد امنستی د ر محل اعتصاب مستقر شده، غیر از ارائه برخی خدمات بانصب بلا کار د هائی جنایات و کشتار رژیم ایران را محکوم کرده و خواستار فرستادن نماینده به ایران برای باز د آرزند آنها شدند.

انحلال طلبی در تشکل های توده ای

غیرحزبی بدترین نوع انحلال طلبی است. و همانا این گرایش است که سکتاریسم را ابدی خواهد کرد: زیرا برای بریدن از سکتاریسم راهی مناسبتر از کار توده ای و تلاش برای ایجاد تشکل صنفی - توده ای و نزد یک کردن عناصر حزبی به تشکل توده ای وجود ندارد.

پذیرش تبلیغ آزادانه نظرات در تشکل های صنفی - توده ای و بنا بر این فعالیت پارو حیه جانب دارانه حزبی بدنبال خود ضرورت تشکیل فراکسیون ها را رسمیت خواهد داد. یعنی مبارزه گرایشات مختلف به هموارترین مجرای خود سرازیر خواهد شد. برای تشکل توده ای هیچ روشی در موکراتیک ترا رسمیت دادن به فراکسیون ها نیست. هر روش دیگری به جز مبارزه فراکسیونی عملا یابنده انحلال تشکل منجر می گردد و بیاورا مبدل به یک سازمان سیاسی می کند. این نکته ای است که لیبرال های انحلال طلب سالوسانه آنرا نادیده می گیرند و دعوی برای خام کردن توده ها، مبارزه فراکسیونی را عنصری علیه وحدت تشکل توده ای معرفی می کنند. چرا مبارزه فراکسیونی با هویت تشکل های توده ای انطباق دارد؟ زیرا، چنانکه در بالا اشاره شد، اولاً تشکل توده ای نمی تواند خود را از مسیر مبارزه طبقاتی دورنگهدارد و از انعکاسات منافع گوناگون طبقات برکنار بماند، لذا همواره حامل گرایشات متفاوت و بنا بر این فراکسیون های مختلفی است. ثانیا اگر بخواهد اراد ه گرایانه و با اتکا به نیروی منفرد بین جلومبارزه فراکسیونی را سد کند ناچار خود فراکسیونی را در برابر دیگران سازماندهی کرده است و این نقض غرض است و در عمل غلطیدن به مواضع فراکسیونی لیبرالی است. بقول لنین د فاع از بیطرفی یعنی د فاع از لیبرالها (نقل به معنی). ثالثا اگرراه آشتی میان فراکسیون نهاراد رپیش گیرد شمره تلاشش تولد یک سازمان سیاسی میانگین است که مخرج مشترک گرایشات رنگارنگ را در خود گرد می آورد. بنا بر این یگانه راه مناسب برای حفظ هویت د موکراتیک و مستقل تشکل صنفی - توده ای تابعیت از منطق مبارزه فراکسیونی است. بدیهی است هرآینه، اهداف اساسی تشکل صنفی فراموش نشود و تنگ نظری پوپولیستی جای منافع کل تشکل ننشیند. این منطق بهیچ وجه با گسترش توده ای تشکل مابینتی نخواهد داشت. بخاطر د اشتباهی که پوپولیسم زلفه قوم فراکسیون و جانب داری حزبی، وابستگی به حزب و مشروط بودن اعضا تشکل توده ای به پذیرش یک ایدئولوژی را استنباط می کند. این درک مطلقاً شیاهتی به درک مارکسیستی از مبارزه فراکسیونی، که هیچگاه استقلال تشکلاتی سازمان توده ای را زیرپانمی گذاردند. بنا بر این ما چه در برابر محدود و نگر پوپولیستی وجه انحلال طلبی لیبرالیستی معتقدیم بسط نفوذ تشکل توده ای وابسته به پذیرش استقلال اساسا توده ای تشکل و پذیرش مبارزه فراکسیونی است.

است که دوران انتقال از فرقه به حزبیت را تجربه میکند. حال در این قوس صعودی اگر مبارزه با گروه مداری به تقویت اید ه حزبیت کمک نکند، یعنی از موضعی انحلال طلبانه باشد، ما با گرایشی همسو با ولایت فقیه روبرویم.

به موضوع اگر از دویچه عملی هم نگاه کنیم نقش سازمان های سیاسی انکار نشدنی است. یک ویژگی شرایط حاضرا اینست که شکل گیری کانون های مهاجرین و انجمنهای د موکراتیک متأخر برانجهن - های هواداری گروههای سیاسی صورت می گیرد. یعنی در خارج از کشور سازمان های سیاسی فعالتر و گسترده تر از تشکل های صنفی - توده ای هستند. لذا در تمام این نوع سازمان های صنفی فراکسیون ها یا فعالین گروههای سیاسی حضور دارند و تقریباً جزء نیروی اصلی مؤسسن این تشکل ها می باشند. این واقعیت در زمین حال معروف این حقیقت است که نمی توان هیچ حوزه ای از زندگی اجتماعی را از نفوذ مبارزه طبقاتی مصون نگه داشت و منطقه ممنوعه ای مقابل رخنه سازمان های سیاسی ایجاد نمود. بنا بر این همانطور که نمی توان از تأثیرات مبارزه طبقاتی برکنار ماند همانطور نمی توان دیوار عبور - ناپذیری میان تشکل حزبی و تشکل د موکراتیک کشید. برای رفع سوء تفاهم خاطر نشان می کنیم عقیده ما مبنی بر ضرورت فراکسیونی حزبی در تشکل توده ای و مصون نبودن تشکل توده ای از نفوذ حزب سیاسی بمعنای رد استقلال تشکلاتی تشکل توده ای از حزب سیاسی نیست. جهت صحبت ما متوجه دیدگاه های لیبرالی است که قصد دارند نفوذ دومی را در اولی مانع شوند همچنانکه در عرصه سیاسی چنین القایی کنند که رشد مبارزه طبقاتی به مبارزه موکراتیک صدمه می زند یا دامنه دومی با رشد اولی محدود ترمی شود. عقیده ما خیرمعمولا با ظاهر فریبنده اظهار می آید وحدت تشکل توده ای با تبلیغ جانب دارانه حزبی به خطر می افتد. لنین در ریاسخ به این ادعا در روزنامه "دانشجو" در سپتامبر ۱۹۰۳ چنین می نویسد: مرز بندی کامل و متقابل جریانهای سیاسی بمعنی "مفجر کسردن" اتحادیه های دانشجویی و صنفی نیست. یک سوسیال د موکرات که وظیفه خود را کارد ریبین د دانشجویان قرار داد است، حتما می کوشد که خودش و بیا بوسیله افراد مورد اعتمادش در رتعد اد هرچه بیشتر و هرچه جا معتز از محافل "خالص دانشجویی" و محافل خود آموزی نفوذ کند، می کوشد دید کسانی را که فقط آزادی های د موکراتیک می طلبند گسترش دهد، می کوشد در بین کسانی که هنوز د رجستجوی برنا توده ای هستند، پیسرای برنا توده ای سوسیال د موکراتیک تبلیغ کنند.

بنابر توضیحات یاد شده، اولاً نمی توان سدی میان تشکل توده ای و تشکل حزبی کشید، ثانیا تبلیغ جانب دارانه حزبی تلاشی تشکل توده ای را بهمراه نه دارد، ثالثا د وضعیت خاص جنبش ما که هنوز حزبیت از پوسته سکتاریستی کاملا جسد ا نشده تبلیغ انفراد منشی و پرورش توده ها با روحیه

د موکراتیک بیرون د و این مقصود شان را با سرق گوناگون و زیر شعارهای متفاوت پیش می برند. از تبلیغ اصول لیبرالیستی اصالت فرد گرفته تا تحقیر تشکلات سیاسی، از نفع و دفع فعالین وابسته به گروههای سیاسی تا انصراف از کار د تشکل به بهانه "رخنه" گروههای سیاسی، و بالاخره انشعاب و تشکیل یک کانون و یا انجمن جداگانه. این روندی است که د اتمارخ می دهد و بعنوان یک عامل تشمت و پراکنندگی تشکل ها را از بقا نسایل د رونی تهی می سازد. منازعاتی که میان طرفداران این گرایش و فعالین گروهها د رمی گیرد - و این بعد از دعوای فراکسیون های رنگارنگ گروههای سیاسی یکی از شدیدترین مشاجرات را تشکیل می دهد - منجر به خروج این یا آن طرف می گردد که در ره حال به ضرر د و ام و قوام تشکل ها تمام می شود. اشتباه اساسی این طرز فکر آنست که ضعف تشکل های صنفی - توده ای را از خالصت گروههای سیاسی نتیجه می گیرد. بعبارت دیگر فعالیت حزب سیاسی را مانع بسط و توسعه تشکل توده ای می داند، بهمین علت است که بر استدالات آنها مرز روشنی میان نغی سکتاریسم و نغی حزبیت بطور کلی د پد نه می شود. اصولا حذف تشکل سیاسی (واضح است که منظور ما، افراد فعال و فراکسیون های احزاب است) از تشکل توده ای بمعنای تضعیف استخوان بندی تشکل توده است و با کمی احتیاط می توان ادعا کرد تصور بقای تشکل توده ای بدین فعالیت حزب سیاسی ناممکن است، حضور فعالین احزاب سیاسی در تشکل های توده ای شرط ادامه کاری تشکل است و شالوده این نوع سازمان ها برانروی و تحریک فعالین احزاب قرار دارد. بهمین علت است که ما معتقدیم مبارزه با سکتاریسم فقط از موضع د فاع قاطعانه از اصل حزبیت است که می تواند تشکل توده ای را هم در برابر گروه گرایشی هم انفراد منشی روشن فکرانه تقویت کند. این واقعیتی است که گروه مداری همواره بهانه مناسبی بدست میدهد تا تحت آن اصل حزبیت مورد چون و چرا قرار گیرد. ولی همانقدر که گروه گرایشی است د ریدن تشکل انفراد منشی و انحلال طلبی آفت د یگرا نیست. اگر سکتاریسم بشانه تجلی طفولیت مبارزه طبقاتی پرولتاریا و د شرایط عدم توسعه یافتگی فرهنگ حزبی پیشروی تشکل توده ای را کند می سازد، انحلال طلبی گرایشی است که تشکل را از هم می پاشاند. از نظرات تاریخی نیز باید توجه داشت که رواج مفاهیم سیاسی چون حزب، سازمان د و فرهنگ زحمتکشان ایران د رسالهای پس از انقلاب تحول بزرگی در آگاهی سیاسی آنها ایجاد کرد، و این تحول یکی از بزرگترین دستاوردهای معنوی زحمتکشان کشور ما است. زیاده رجامه ای با فرهنگ کهنسال پدر - سالزانه استبداد زده و پرورش یافته با روح فرمان برداری از شیخ شاه، تشکلات فراخوانی است به قدرت جمع و اراده ای که منشأ زمینی دارد. این یکسکوی فتح شده است و جنبش سچ ما برپایه آن

بعضی ها نام ستارگان را از حفظ دارند من نام حسرت‌ها را بمناسبت سالگرد مرگ ناظم حکمت

ناظم حکمت شاعر کمونیست ترک، ستاره تابناک آسمان ادبیات و هنر شرق، نه تنها سرآینده درد و امید و آرزوی زحمتکشان ترکیه بلکه جهان نیز بود. او در ۱۹۰۲ متولد شد و بهمسراه طوفان بیدار گشته، پرولتاریا و خلق‌های سراسر گیتی - سالهای تولد، بلوغ و پیروزی بلشویسم و به پای خیری ملل تحت ستم و فروپاشی امپراطوری عثمانی - رشد کرد، بالغ شد و چون آذرخشی در رتاریکی میهنش درخشید. اگر یکبارچگی صفوف کارگران و زحمتکشان، اگر انترناسیونالیسم پرولتری و پیوند خلقهای جهان - در فشرده‌ترین بیان - خود را در انترناسیونالیسم سوم نشان می‌داد، روح و احساس ورنج و سرنوشت و امید مشترک آنها نیز خود را در عرصه‌های دیگر از جمله هنر جهانی به نمایش می‌گذاشت و سلاجی می‌شد در رستان آنها. می‌توان گفت در عرصه شعرییدایش شعرائی چون ناظم حکمت، پابلونرود، لوشی - آراگون، ... جلوه‌ای از این حقیقت شکوه‌مند بودند.

سه سال بعد از انقلاب اکتبر، ناظم حکمت در وطنش شاعری است بی هیچ کموکاست! اما او در این بسیاری و سیرابی، سراسرتشنگی است. وطنش تکه‌تکه شده، سیلی خورده، در زیرچکمه‌های اشغالگران خارجی و غارتگران داخلی درهم فروکوبیده می‌شود و مردمش باید تاوان خونین و مرگبارش رکت امپراطوری عثمانی را در جنگ اول، به ویژه بعد از شکست در ول متحد ببرد ازند. اولین نغمه‌های کار، ستم، رنج، غارت، گرسنگی، نان، تحقیر، عشق، ... در رتن و جان ناظم‌نمشستند، از او گذر کردند، از ترکیه به سراسر گیتی پراکندند و برای همیشه او را و شعورش را بخدمت پاپرهنگان در آوردند. حکمت در این دوره از ترقی خواهی و آرزوی انقلاب کبیر بورژوازی فرانسه به مدد اررهای تام و تمام بشریت - سوسیالیسم - پروا نکرد.

در تلاش نزدیکی و آگاهی بخشیدن به مردم میهنش به معلمی در دهات پرداخت و دیری نگذشت که فتودالها و مرتجعین تصمصیم به نابودنش اش گرفتند. ناظم به کشورش و راه رفت و به تحصیل در رشته علوم سیاسی در "دانشگاه ملل شرق" پرداخت. در ۱۹۲۴ با مرگ لنین کبیر به نمایندگی از طرف دانشگاه ۵ دقیقه در کنارجنازه لنین نگهبانی داد و سال بعد امکان بازگشت به استانبول را پیدا کرد. او که با تمام نیرو و توانش روی شعرکاری کرد در هیئت تحریریه مجله "روشنفکران" مشغول بکار شد و بطور وسیعی آثارش را منتشر ساخت.

مدتی نگذشت که سازمان امنیت "آتاتورک" برای شکارش تجهیز کردید. او به زندگی مخفی روی آورد و غیابا به پانزده سال زندان محکوم گردید. ناظم که در بازگشت بخانواده گریانش گفته بود: "دیگر هرگز از شما جدا نخواهم شد" دوباره مجبور شد میهنش را مخفیانه ترک گوید و به اتحاد شوروی برود. بعد از دو سال ناظم حکمت بدنیال تصویب قانون عمومی به ترکیه بازگشت و

بطور خستگی ناپذیر بر بردار ادامه داد. مبارزه سیاسی برای رهائی زحمتکشان در جبهه فرهنگی، تحول شگرف در مضمون و شکل شعر سرزمینش، احاطه استادانه در ترکیب آیمازها و ارتقا و فنای اوزان کلاسیک، ... شعرا و راه‌های العاسی در رخشا و چه بسا برای مدتهای طولانی منحصر به فرد و شگرف مبدل نمود.

در سال ۱۹۳۲ تیغ دیکتاتوری تیزتر شد و ناظم دوباره دستگیر گردید و با ارائه دلایل کافی! یعنی آثار و نوشته‌هایش، برایش تقاضای اعدام کردند. بعد از مبارزه‌ای شدیدی که فضای ترکیه

بشدت از آن متأثر شد و بعد از یکسال و نیم زندان محکومیت او به یکسال تقلیل یافت! آثار او اکنون سراسر ترکیه رافتح نمود. با اسم مستعار یا واقعی، مردم نسخه خوان دردمید خویش را با زبانش می‌شناختند. توطئه جبهه سود و سرمایه همچنان علیه او و به اشکال مختلف ادامه می‌یابد. شیخ فاشیسم هیتلری بر فراز جهان بال می‌گستراند. حکومت ترکیه بانزد یکشدن مرگ کمال آتاتورک هرچه بیشتر از طرف ستمگران و سگان اردوی سرمایه قبیضه می‌گردد. خطر مرگ هر دو ستمدار اصدیق زحمت - کشان و هواخواه سوسیالیسم را تهدید می‌کنند. بقیه در صفحه ۱۵

به نویسندگان آسیا و آفریقا

برادرانم

به زردی موهایم نگاه نکنید

من آسیائی هستم

به آبی بودن چشمانم نگاه نکنید

من آفریقائی هستم

در سرزمین من در رختابه پای خودشان سایه نمی‌اندازند

عین سرزمین‌های شما

در سرزمین من نماند رگام شیراست

سرچشمه‌ها از دها خفته است

و مرگ پیش از پنجاه سالگی فرامی‌رسد در سرزمین من

عین سرزمین‌های شما

به زردی موهایم نگاه نکنید

من آسیائی هستم

به آبی بودن چشمانم نگاه نکنید

من آفریقائی هستم

هشتاد درصد مردم من خواندن و نوشتن نمی‌دانند

آنجا شعرها ترانه می‌شود و دهن به دهن می‌گردد

در سرزمین من شعرها می‌تواند به پرچم بدل شود

عین سرزمین‌های شما

برادرانم

شعرهای ما باید بتواند به گاو لاغر و نحیف بسته شود

و زمین را شخم کند

باید بتواند در شالیزارها

تا زانو در رباطلاق فرو رود

باید بتواند همه چیز را بپرسد

باید بتواند همه نورها را بچیند

باید بتواند بر سر راه‌ها بایستد

مانند سنگهای کیلومتر شمار، شعرهای ما

باید بتواند دشمن را که نزدیک می‌شود پیش از همه ببیند

باید بتواند در جنگل بر تمام‌ها بکوبد

تا آن زمان که در جهان یک سرزمین آسیرو یک انسان اسیر باقی بماند

و در آسمان یک ابرامی

و شعرهای ما باید بتواند هر آنچه در آرد از جان و مال و فکر و اندیشه در راه

آزادی بزرگ بدهد.

گزارشاتی از برگزاری مراسم اول ماه مه

پاریس = فرانسه

برای برگزاری هرچه باشکوه تر اول ماه مه، اتحاد عملی بین نیروهای سیاسی زیر: سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، شوروی عالی سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران، سا زمان آزادی کار، حزب دمکرات کردستان ایران، ارشاد، موحدین انقلابی و نشریه افزای نو تحت نام "کمیته هماهنگی بزرگداشت اول ماه مه" شکل گرفت. این کمیته طی یک فراخوان از عموم ایرانیان ترقیخواه دعوت کرد که در این راهپیمایی شرکت کنند. راهپیمایی باشعارهای سرنگون باد رژیم جمهموری اسلامی ایران، مرگ برامپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، مرگ برجنگ ارتجاعی ایران و عراق، زنده باد صلح، زنده باد اول ماه مه روزهمبستگی کارگران، زنده انی سیاسی آزاد باید گرد د - شکنجه و اعدام نابود باید گرد د، کارگران جهان متحد شوید، زنده باد آزادی - زنده باد صلح - زنده باد سوسیالیسم و زنده باد مبارزات خلق کرد، انجام گرفت.

غیر از نیروهای شرکت کننده در کمیته تعدادی از ایرانیان ترقی و سرشناس نیز در صف راهپیمایی کمیته هماهنگی شرکت کردند.

لندن = انگلستان

بنا به دعوت شورای اتحاد پیه های کارگری انگلستان (T.U.C) در لندن بیش از ۱۵۰۰ نفر از ملیتهای مختلف از جمله: ایرانی، کرد و ترک در یک راهپیمایی به مناسبت اول ماه مه (روز جهانی کارگر) شرکت کردند.

تعداد بسیاری از طرف اتحاد پیه های انگلیس در راهپیمایی شرکت کرده بودند، این تعداد در مقایسه با سالهای پیش بسیار کم بود و نشانگر عقب نشینی جنبش طبقه کارگر در مقابل حملات چند سال اخیر بورژوازی به طبقه کارگر انگلیس است. رفقای ما در لندن در این راهپیمایی شرکت کرده و اعلامیه بزرگداشت اول ماه مه کمیته خارج از کشور سازمان را پخش نمودند.

لندن = انگلستان

"کمیته برگزارکننده اول ماه مه" متشکل از افراد منفرد سیاسی، تنی چند از هواداران نیروهای سیاسی از جمله رفقای ما، روز دوم ماه مه جشنی را برای بزرگداشت روز جهانی کارگر برگزار کرد. جشن ساعت ۶ بعد از ظهر با قرائت پیام کمیته برگزار کننده به دو زبان انگلیسی و فارسی آغاز گردید. سپس تری هریس یکی از کارگران معدن و جویدی جیل شورت از طرف کارگران چاپ سخنرانی نمودند. در قسمت های دیگر جشن پیام یک کارگر مبارز ایرانی قرائت گردید و تأثری بانام "برنامه کارگران" که زندگی کارگران در محیط کار را تصویر میکرد اجرا گردید. همچنین موسیقی کردی و ایرلندی در جشن بمسور اجرا گردیده شد.

فرانکفورت - آلمان غربی

همه ساله در فرانکفورت، کنفدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری آلمان فسد رال راهپیمایی اول ماه مه را برگزار میکند و همسایه نیروهای چپ و ترقی هوادار طبقه کارگر بعنوان همبستگی با کارگران با شعارهای مستقل خود از این راهپیمایی حمایت کرده و در آن شرکت میکنند. امسال نیز در راهپیمایی که از محل پارک گونتربورگ آغاز و تا مرکز شهرو محل میتینگ و جشن اول ماه مه، ادامه یافت جمعیتی حدود ۱۰۰ هزار نفر از کارگران و هواداران آنان از ملیت های گوناگون شرکت نمودند.

اعضا و هواداران سازمان در فرانکفورت یک هفته قبل از اول ماه مه در تاریخ ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱ ماه مه را بیکارچه و باشکوه برگزار کنیم" همه هموطنان آگاه و مبارز تقیم فرانکفورت را برای اعلام همبستگی با مبارزه طبقه کارگر جهان و حمایت از خواست ۳۵ ساعت کار در هفته - شعار عمده تظاهرات به شرکت یکبارچه در این تظاهرات دعوت نمودند.

رفقا با شعارهای "صد همکین سالگرد اول ماه مه روز همبستگی طبقه کارگر جهان مبارک باد" و مرگ بر جنگ و زنده باد صلح در راهپیمایی شرکت نموده و در مسیر راهپیمایی اعلامیه هایی به زبان آلمانی در مورد صلح، ایران هشت سال تحت حکومت خمینی و اعلامیه کمیته خارج سازمان را پخش کردند.

برلین - آلمان غربی

روز اول ماه مه در برلین هزاران کارگر و نیروهای ترقی آلمان و خارجی در رژه اول ماه مه برای بزرگداشت روز کارگر و به نشان همبستگی بین المللی طبقه کارگر، شرکت نمودند. در این راهپیمایی کارگران و نیروهای ترقی ترک با برنامهمنظم حضور یافته و در یک گوشه میدان با اجرای رقصهای محلی ترکی توجه همگان را بخود جلب نمودند. رفقای ما نیز با پرچم و شعارهای خود در این راهپیمایی شرکت نمودند و اعلامیه های اول ماه مه را پخش نمودند.

ملبورن = استرالیا

رفقای ما از ملبورن - استرالیا - گزارشی داده است که در روز اول ماه مه تمسدادی از ایرانیان طرفدار طبقه کارگر متحد در راهپیمایی اول ماه مه در یک پرچم مشترک با شعار "زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر" شرکت کردند.

گزارش حاکی است که در این راهپیمایی ۶۰۰ عدد از اعلامیه کمیته خارج از کشور سا زمان ضاسبت اول ماه مه و تعدادی نشریه انگلیسی سا زمان پخش گردید.

راجع به اول ماه مه

کراچی - پاکستان

"کمیته برگزارکننده اول ماه مه" در کراچی متشکل از هواداران سا زمانها و تشکل های زیر: ۱- هواداران جنبش آزاد یخواهان بلوچ ۲- هواداران سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ۳- انجمن هواداران سا زمان چریکهای فدائی خلق ۴- هواداران د کتر شریعتی ۵- شوروی پناهندگان و آوارگان در کراچی ۶- هواداران راج زمیش با صدور اعلامیه ای تحت عنوان "زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران" تصمیم خود را برای برگزاری اول ماه مه اعلام نمود. در قسمت پایانی اعلامیه، بعد از ذکر تاریخچه مختصری از اول ماه مه و وضعیت طبقه کارگر ایران تحت رژیم جمهموری اسلامی چنین نوشته است: ... هموطنان مبارز! ما بعنوان بخشی از ملت ایران که از جهنم سوزان رژیم، مجبور به ترک کشور گشته ایم همبستگی خود را با کارگران و زحمتکشان اعلام می داریم. و صدای اعتراض خود را بر علیه ظلم و ستم بر کارگران، سرکوب ملل تحت ستم، جنگ و اختناق، سرکوبهای عقیدتی و مذهبی، علیه ستم جنسی بر زنان، ... بلند می نمائیم. بی شک آینده از آن ماست.

زنده باد اول ماه مه! زنده باد همبستگی بین المللی کارگران! سرنگون باد رژیم ضد کارگری ایران! پاکستان ۹/اردیبهشت/۱۳۶۶

هانوفر - آلمان غربی

۱۳ سال پیش کمیته ای به نام کمیته اول ماه مه متشکل از نیروهای چپ و ترقیخواه آلمانی و خارجی در هانوفر (آلمان غربی) شکل گرفت. این کمیته هر ساله راه پیمایی اول ماه مه را با شعارهای رادیکال سازماندهی می کند.

رفقای ما در هانوفر که از سه سال پیش عضویان کمیته هستند، امسال نیز مثل سالهای قبل در راهپیمایی با آرم و نام سا زمان و با شعارهای: "اول ماه مه روز جهانی کارگر مبارک باد"، "وحسدت کارگران، وحشت بهره کشان"، "سرنگون باد رژیم ضد کارگری جمهموری اسلامی ایران" و "زنده باد همبستگی جهانی کارگران"، شرکت کرده و به اجرای برنامه هنری - سیاسی شامل "پانتومیم از وضعیت کارگران، جنگ و حکومت" و رقص محلی برنجکاران شمال پرداختند، که مورد استقبال شدید حاضرین قرار گرفت.



کدام معیارها کهنه شد ه اند؟

واقعیت قضیه اینست که روند اتحاد این دو سازمان اپورتونیست (حزب توده - اکثریت) با دشواری های متعدد دی مواجه شده و افزایش مقاومت ها و اعتراضات بویژه در صفوف اکثریت، رهبری اپورتونیست این سازمان را با مشکلات بغرنجی مواجه ساخته است، بگونه ای که نه فقط طرح اتحاد و یا احزاب توده وارد دست انداز شده بلکه وحدت درونی خود او نیز منخاط شده افتاده است. بد نیست بدانیم، پیش از اینکه بحرانی به این نقطه برسد، رهبری اکثریت طی یک رشته اقدامات کوشید ذهنیت نیروهای خود را به سمتی منحرف نماید که مشی خیانت کارانه همکاری با رژیم جمهوری اسلامی حتی المقدور کمتر مورد چون و چرا قرار گیرد، که اپورتونیسم با کمترین تلفات از این گردنه صعب عبور داده شود. به این جهت بود که شعار سرنگونی طرح گردید، تاکتیک "تعزیر" سیاسی تبلیغی "اتخاذ شد، سنت" فرخنده " فدایی بارد یگر حیل گرانه جشن گرفته شد، برای تحکیم رهبری از احزاب برادرتیاید به جمع آوری شد و بالاخره برای خروج از انزوای و مهار بحران شعار اتحاد این بار بارنگد یگر بر سرد رایسن سازمان نصب گردید.

علی رغم بی نتیجه ماندن اقدامات یاد شده و بنا بر این بسط دامنه بحران و افزایش شمار ناراضیان، رهبری اپورتونیست کماکان همان شیوه ها را ادامه میدهد. برای نمونه در مقاله مورد نظریس از جاکردن خود در میان "سازمان های انقلابی و پیشاهنگ مردم" و بعد از برشردن آمار و ارقام در رشت در زمینه پخش نشریه و اعلام مید رایران می نویسد: "سازمان مادر رها رو تابستان بسا انگیزش و رهنمود پلنوم وسیع فروردین ماه تعرض سیاسی و تبلیغاتی وسیع و مؤثری راعلیه رژیم پیش برد". "لاف زدن از قدرت و کمیت سازمان همواره به عنوان یکی از ابزارهای رهبری اپورتونیست در رخد مت منکوب کردن فکرا انتقادی در میان اعضا و هواداران این سازمان بکار برفته است. ولی اینبار نتیجه کاملاً معکوس خواهد بود. زیرا همه آنهاست که مدتی از این تبلیغات تأثیر می پذیرند امروز سئوال خواهند کرد آیا اتخاذ مشی تعرض سیاسی - تبلیغی وسیع برای سازمانی با آن پیشینه هلنی که بسیاری از فعالین خود را در معرض دید پلیس سیاسی قرار داده بود یک ماجراجویی سیاسی نبود هاست؟ سئوال خواهند کرد آیا در رشت این عمل ماجرا - جویانه که به قیمت قربانی شدن تعداد زیادی از فعالین سازمان انجام گرفت انگیزه فرصت طلبانه ای برای کسب حیثیت و بقای رهبری نبود هاست؟

گفتیم، یکی دیگر از رشک های رهبری اکثریت برای غلبه بر اوضاع آشفته کنونی و پایان دادن به انزوای دردناک خود و حزب توده ه طرح شعار اتحاد می باشد که در مقاله کار ۳۸۰ بار دیگر مطرح گردیده. در این مقاله اکثریت ادعا میکند به جزا و که تفاوت و مفهوم اتحاد و وحدت را درک میکند، دیگران این در و را با یکدیگر قاطعی می کنند و اضافه می کند "از سوی دیگر توده های

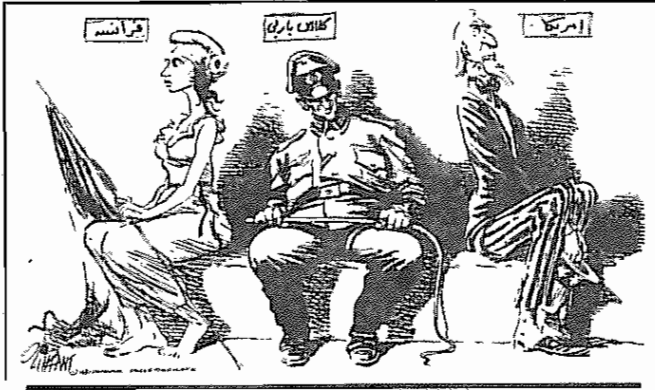
ستیزی کماکان وسیله برائی است در رخد مت تفرقه جنبش. عدم پذیرش هرگونه اتحاد با حزب توده ایران به صورت یکی از شروط اتحاد در نزد برخی از سازمان های مبارز در آمده است. این اندیشه، اندیشه ای غیرسیاسی است که تنها به یک انتقام - جوئی کینه توزانه شبیه است. "در ادعای نخست، اکثریت در واقع قیاس به نفس کرده است. زیرا تا آنجا که حافظه ما اجازه می دهد قاطعی کردن مرز اتحاد و وحدت وصف حال اکثریت و حزب توده است که مسجور جمال رهبر ضد امپریالیست شان "امام خمینی"، و برای انحلال کامل در اردوی ضد انقلاب و لایق ققیه مقدمات آشتی سوسیالیسم علمی با اسلام فقهائی را شروع کرده بودند.

اماد روابطه با شروط کردن اتحاد با حزب توده باید اضافه کنیم تا آنجا که پای راه کارگر در میان است مانده فقط حزب توده بلکه خود اکثریت راهم شروط به شرایطی کرده ایم. شرط ما در وضعیت کنونی اقرار و انتقاد علنی آنها از اعمال خیانت کارانه شان است. آیا در اینجا "ملاک های کهنه شده" و "غیرسیاسی" دیده می شود؟ به خاطر داشته باشیم که برای جنبش خلق ایران د موکراسی یک خواست اساسی و "کهن" میباشد که استواری در دفاع از آن همواره یک ملاک تشخیص ماهیت مردمی احزاب سیاسی بشمار برفته است. جنگیدن برای د موکراسی و پشت نکرده به آن به بهانه این یا آن اصلاح جزئی اجتماعی، آنگونه که رسم اپورتونیسم نوع توده ای - اکثریتی است، یا بی محتوا نکردن آن به قصد جلب همکاری با این یا آن حزب بورژوازی که از نیروی کمی و تشکیلاتی قابل ملاحظه ای برخوردار است پایه ائتلاف های سیاسی ما را تشکیل میدهد. به عبارت دیگر، ما برخلاف اپورتونیست ها که مبلغ فرمول انحلال - طلبانه اتحاد به برقیتم می باشند بر محتوا و هدف اتحاد نظر داریم. چنانکه ملاحظه می شود، این ملاکها همان معیارهای کهن ولی همچنان ترو تازه انقلاب ما است. ملاک هنوز هم اعتقاد داشتن به د موکراسی و جنگیدن در راه آنست. بنا بر این بدیهی است احزابی که در مقابل د موکراسی و انقلاب می ایستند و شریک سرکوب می شوند به این عمل خود مشروط می گردند، یعنی مناسبات سیاسی سایر احزاب با آنها بر مبنای موضع اینها در قبال د موکراسی تنظیم می گردد. و این از محتوای کلام سیاسی برخوردار است. زیرا در پشت سر این موضع مردم قرار گرفته اند و در رست به همین دلیل هم اتحاد با این چنین احزاب خیانت کاری نه تنها موجب تقویت محور د موکراسی نمی گردد، بلکه اینها خود یک عامل ضعف و پراکندگی جنبش هستند.

در بالا گفتیم یکی از مشخصه های بارز رژیم ستم توده ای عدم پایبندی به د موکراسی است. اینهم مسئله ای "قدیمی" ولی همچنان تازه است. در مقطع کنونی ندهم از کوشش های این دو سازمان و حزب برای تأمین باصطلاح اتحاد "نیروهای ترقی خواه" صرف چشم و ابرو نشان دادن به سازمان مجاهدین می شود. در همین مقاله اکثریت بسا استفاده از ضمیر جمع "ما" سازمان های انقلابی و پیشاهنگ مردم، سازمان مجاهدین را هم در کنار

بقیه می گذارد و از اینکه انتقال رهبری مجاهدین به عراق این سازمان را با دشواری های جدی روبه رو خواهد ساختند دل می سوزاند. در مناسبات میان این دو سازمان ماد قیقا با همان الگویی روبرو هستیم که در گذشته میان اینها با رژیم اسلامی شاهد بودیم. از یک طرف برخورد شامت آمیز و خوارکننده و از طرف اپورتونیست ها خاکساری و چاکرمنشی و نصایح برادرانه، اینهمه بی یروسینی در برابر سازمانی که سرآپادریک برنا ه ارتجاعی فرورفته و ولایت ققیه تازه ای را پرچم خود ساخته است و به دشمنی با کمونیست ها مباحثات می کند معنایی جز دشمنی با د موکراسی و دامنه همان مشی خیانت آمیزند. واقعیت اینست که هم ما و هم اکثریت و حزب توده به همان معیارهای گذشته خود پایبندیم. اکثریت از ستایش قدرت دست نشسته و پیرو منطق انحلال طلبانه اتحاد همه نیروهای دوست و دشمن د موکراسی است، ماهم سرحرف خود ایستاد ایم، معتقدیم نباید به قدرت تمکین کرد و باید از د موکراسی پیگیرانه دفاع کرد و در اتحاد به مبارزه برای د موکراسی و انقلاب مشروط بود. این شرطی است که کمونیست ها در برابر احزاب متزلزل خرد بورژوازی و احزاب اپورتونیست می گذارند. با کک همین شرط است که جنبش کمونیستی به تحکیم خود می پردازد و هر مونی خود را در میان اکثریت زحمتکش که خواهان مبارزه قاطعانه علیه ارتجاع و بورژوازی هستند بسط می دهد و در شرایط مشخص جنبش ما که نفوذ خط مشی انقلابی با روند فروپاشی جبهه اپورتونیسم که هر روز شتاب تازه ای می گیرد همزمان شده است، این شرط تقویت کننده استون فقرات جنبش کمونیستی ایران است.

در پایان لازم است که اشاره کوتاهی به آن بخش از جمع بندی باصطلاح کارنامه یکساله جنبش، که در آن گوشه ای هم به راه کارگر زده شده، بکنیم تا روشن شود برخلاف آنچه اکثریت میخواهد القا کند موضع سازمان منسبت به پلنوم هفتم سازمان فدائیان خلق یکی دیگر از موفقیت های مشی کمونیستی در سیاست ائتلافی علیه اپورتونیسم بوده است. در روابطه با این موضع مقاله مورد بحث با شیوه ای طعنه آمیز و بالحنی شگفت زده می نویسد: "به هر صورت شنیدن یک کلمه مشخص درباره اتحاد آنها از سوی راه کارگر بسیار جالب و مثبت بود". اما در این اظهار نظر، اکثریت، کاملاً مفرضانه و عامدانه انتقاداتی را که پلنوم هفتم فدائیان خلق به مواضع گذشته خود وارد کرده، نادیده گرفته تا ولاجریان انتقادی درونی خود را از تمرکز بیشتر روی روند عقب نشینی اپورتونیسم با زد آرد. ثانیا ربط این عقب نشینی با مواضع سازمان مارالا پوشانی کند تا برخورد منسبت به پلنوم هفتم به حساب پاره ای تجدید نظرات و کوتاه آمدن هائی از طرف ما و نامود گردد. اما حتی از همین اظهار نظر سراسر لوسانه می توان فهمید سلاخی که اپورتونیستها بنا می سکتار رسم علییه سازمان ماعلم کرده بودند تا از تسری مواضع انقلابی ماد در صفوف خویش جلوگیری کنند گارائیند آرد و مشی انقلابی همچنان در حال پیشروی است.



گشتاپو در خدمت امپریالیسم آمریکا

اینروزها "کلاس باری" رئیس شتاپو (پلیس هیتلری) شهر لیون در زمان اشغال فرانسه توسط نازیها، در همان شهر لیون محاکمه میشود. او بدلیل هزاران جنایت فجیع از جمله کشتن "ژان مولن" از رهبران کمونیست نهضت مقاومت و اعزام ۴۱ کودک یتیم یهودی به اردوگاههای مرگ، محاکمه و رانندگی مجازات است. اما در طی این محاکمه مسائلی افشاگرانه که چهره تیز کرده آمریکا را عریان میکند. سرگرد سابق ارتش آمریکا در دوره جنگ جهانی دوم و بعد از آن بنام "رهارد رابرننگس" هاس فاش نمود که جناب "باربی" از ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۱ در خدمت اداره اطلاعات ارتش آمریکا در آلمان بوده است. این افسر سابق گفت باری در همان زمان با صراحت و بدون شرم از دوره خدمت در گشتاپو سخن میگفت. "یوگن کولب" افسر دیگری که سمت ریاست بر باری را در ارتش آمریکا داشته است عنوان کرد که باری مسئول نفوذ و حزب کمونیست آلمان و نفوذ در سازمان اطلاعاتی فرانسه بوده است و آنها میخواهند از توانایی (او) او بهترین استفاده را بکنند. بعد از سال ۱۹۵۱ این جنایتکار بدستور اربابان آمریکایی و با کمک آنها به بولیوی میروند و تا سال ۱۹۶۴ بعنوان کارشناس پلیس و بازرجویی در خدمت دولت بولیوی قرار میگیرد. همچنین وی با تأسیس یک شرکت کشتیرانی با کمک عوامل سابق اس - اس دسته جات ترور و سرکوب در بولیوی را سازمان داد.

تظاهرات دانشجویی در هانوفر - آلمان غربی علیه شهریه

اخیراً رایالت نی در زاکسون آلمان غربی، CDU (حزب دموکرات مسیحی) طرحی را به مجلس ایالتی برداشت که در صورت تصویب آن دانشجویان مجبور خواهند شد برای هر ترم اضافه علاوه بر ترمهای مقرره شده در قانون، ۱۰۰۰ مارک شهریه بپردازند. از آنجائیکه طولانی شدن ترمهای تحصیلی دانشجویان پدیدهای عمومی است و عمدتاً دانشجویان اقشار متوسط و فقیر هستند که بخاطر تأمین هزینه زندگی و تحصیل خود مجبورند چند ترم را در دوران تحصیل خود بکارند و کارخانجات مشغول شوند، اعتراضات زیادی را در میان آنان برانگیخته است. دانشجویان این ایالت و ایالت هامبورگ در تاریخ ۲۸ آوریل به دعوت تشکلهای خود در هانوفر به خیابانها آمده و به این طرح اعتراض نمودند. حدود ۸۰۰ نفر در این تظاهرات شرکت کردند. روز ۱۴ مه نیز دانشجویان رشتههای مختلف تحصیلی از دانشگاههای خود حرکت کرده و در یک نقطه بهم پیوستند و طی قطعنامه‌ای علیه این لایحه مخالفت برخاستند. در این تظاهرات که دانش آموزان دبیرستانی هم به حمایت از دانشجویان آمده بودند، حدود ۲۰۰ نفر شرکت کردند. تا بحال دانشجویان غیر از این آکسیونها، حرکتی برای اعتراضی متعدد در رابطه با اشکال گوناگون سازماندهی کردند.

راهپیمایی برای صلح

روز شنبه ۲۵ آوریل بیش از صد هزار نفر در خیابانهای لندن برای صلح و خلع سلاح اتمی در شهر لندن در دست به راهپیمایی زدند. شعار آنها هر کس که از افسار مختلف جامعه بودند برچیدن سلاحهای اتمی از خاک انگلستان بود. برعکس سال گذشته که راهپیمایی "مبارزه برای خلع سلاح اتمی" (CND) در اعتراض به هر دو کشور شوروی و آمریکا صورت گرفت، سال اغلب

انگلستان - پایان اشغال کارخانه کاترپیلار

بعد از ۱۰۳ روز اشغال کارخانه، کارگران کاترپیلار اسکاتلند در روز ۲۷ آوریل به سرکار بازگشتند.

بدنبال تهدید سرمایه داران به تعطیل کارخانه و اخراج ۲۰۰ کارگر کارخانه توسط کارگران اشغال شده بود.

شرکت کاترپیلار یک کمپانی چند ملیتی آمریکایی است. این کمپانی در عرض چند سال گذشته ۷ کارخانه در آمریکا و کارخانه در انگلستان را تعطیل کرده و بیش از ۳۴ هزار کارگر را اخراج کرده است. این درحالیست که کمپانی در سال گذشته ۷/۳ میلیارد دلار فروش داشته که ۱۳ درصد نسبت به سال قبل افزایش نشان میدهد. برای مقابله با این موج تعطیلی کارگران کمیته‌ای متشکل از کارگران کارخانجات کاترپیلار در فرانسه، انگلستان و بلژیک تشکیل دادند.

کارگران تنها کارخانه را اشغال کرده بودند بلکه زیر نظر "کمیته هماهنگی اشغال" خط تولید را هم برآوردند. از جمله تولیدات کارگران تراکتوری بود که آنرا پلنگ صورتی نام نهادند. کارگران یک عدد از این تراکتور را به نیکاراگوئه هدیه کردند ولی صاحبان کارخانه از طریق دادگاههای انگلستان از صد و این تراکتور جلوگیری نمودند.

برای درهم شکستن این حرکت کارگری، دولت انگلیس از هیچ اقدامی فروگذار نکرد. با این حال در نتیجه مقاومت کارگران، تصمیم نهایی برای بستن کارخانه به مدت ۵ ماه به تعویق افتاد. در جریان اشغال کارخانه نقش فرصت طلبانه شورای اتحادیه‌های اسکاتلند، STUC و رهبران اتحادیه فنی کاران، AEU برای پایان دادن به اشغال یارید یگانشان داد این رهبران سازش کار که از منافع کارگران بلکه از منافع سرمایه داران حمایت می‌کنند.

شعارها و سخنرانی‌ها از پیشنهادات شوروی مبنی بر برچیدن سلاح اتمی از اروپا و سایر پیشنهادات گورباچف درباره خلع سلاح اتمی پشتیبانی میکردند و این نشانگر حمایت روزافزون توده‌های صلح طلب جهان از ابتکارات اتحاد جماهیر شوروی در خلع سلاح عمومی و در پیشبرد صلح جهانی است.

رفقای هوادار سازمان ماضن شرکت در رایان راهپیمایی با بخش اعلامیه‌ای علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق، تظاهرات کردند، رابه مخالفت علیه این جنگ و اعتراض به فروش اسلحه از طرف دولت انگلیس دعوت کردند.

اخبار کوتاه

● در انتخابات فلیپین، حزب خانم اکینو ۲۲ کرسی از ۲۴ کرسی سنا و اکثریت مجلس ۲۰۰ نفری را بدست آورد. مخالفین در مورد تقلب و سیخ در انتخابات سخن میگویند. اکینو در یک سخنرانی در پایگاه هوایی چهره خود را یاد در خواست رسمی سلاح از آمریکا برای جنگ با کمونیستها آشکارتر کرد و گفت ما به سلاح احتیاج داریم و نمیتوانیم با جنگ و دندان با کمونیستها بجنگیم.

● دولت آرژانتین لایحه‌ای را تصویب کرد که بموجب آن تعداد زیادی از افسران دوره حکومت نظامی سابق از مجازات و محاکمه بعلت ارتکاب جنایت و نقض حقوق بشر معاف میشوند. در تظاهراتی که علیه تصویب این قانون بهی شد ۲۸ نفر دستگیر گردید.

● رهبران شش کشور آرژانتین، مکزیک، سوئد، هند، تانزانیا و یونان در اعلامیه مشترکی پشتیبانی خود را از پیشنهادات مربوط به خلع سلاح اتمی اظهار داشتند.

● فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه موافقت خود را با پیشنهادات شوروی برای کاهش موشکها اعلام داشت. فرانسه موضعگیری رسمی در این مورد را منوط به اخذ تصمیم از جانب متحدش، دولت آلمان قدرال، نموده است.

● بزرگترین بانک جهان یعنی سیتی بانک نیویورک، ۳ میلیارد دلار از طلبهای خود را که عمدتاً از کشورهای در حال توسعه است نادیده میگیرد. این عمل بانکداران بعلت جنبش عدم بوداخت بدیهی از سوی کشورهای فقیر و ضعیف بعنوان یک عقب نشینی بازدارنده تلقی میشود.

● استرالیا د فائرد بیلما تیک لیبی در آنگسور و بعلت ایجاد ناآرامی در اقیانوسیه، تعطیل کرد.

ادامه از صفحه ۱۱ بعضی ها نام ستارگان را...

حکمت ستاره در رخشان اد بیات و هنر انقلابی ترکیه هدف مقدس است. کتاب "نامه‌هایی به تارانتا بابو" که به نحو شگرفی چهرهٔ ذهنی فاشیسم را به جهانیان نشان می‌دهد در این زمان منتشر شد.

در ۱۹۳۸ ناظم حکمت دوباره دستگیر و به بازداشتگاه نظامی برده شد. بدون ملاقات، بدون یک کلمه حرف شش ماه در یک سلول کوچک و تاریک و مودرت رد و مترنگاه داشته شد. توطئه گسترش یافت و باد ستگیری تعدادی از دانشجویان دانشکده افسری که ناظم مطلقاً با آنان رابطه تشکیلاتی نداشت بعنوان طرح "شورش در نیروی های مسلح به رهبری ناظم حکمت" پیش برده شد. حاصل مدت‌ها شکنجه و آزار ۲۸ سال زندان برای ناظم حکمت ۳۷ ساله بود. ۲۸ سال زندان برای مردی با ذات‌الریه و درد سیاتیک و رماتیسم حاد و ناراحتی قلبی و کار در زندان برای امرامعاش! جنگ جهانی دوم به پایان می‌رسد، آثار او که مخفیانه خارج می‌شود در اروپا منتشر می‌گردد. در تمام این مدت ناظم در زندان بی وقفه آثار بزرگی خلق می‌نماید. امام دشمنان مردم اجازه نمی‌دهند کلمه‌ای دربارهٔ او در وطنش رسماً گفته شود.

در اواخر ۱۹۴۹ شرایط سیاسی اندکی شروع به تغییر می‌نماید. "محمد علی سبک" و "کیسل" دادگستری مقالاتی تکان‌دهنده دربارهٔ غیرقانونی بودن محکومیت ناظم حکمت - "در ریوس" - ناظم حکمت - منتشر می‌کند. نیروهای مترقی و محافظ پیشرو جهان برای آزادی او به پای می‌خیزند. "کمیته نجات ناظم حکمت" در پاریس بیانییه‌ای با امضاء شخصیت‌هایی چون برتولت برشت، پابلو نرود، ژان پل سارتر، پابلویکا سو، سازمان یوسکو و... منتشر می‌نماید.

ناقوس در ترکیه نیز به صد آمد. اعلامیه‌ها و پوسترها و آفیش‌های فراوان در رود یواشهرهای بزرگ ترکیه را پشاند. جهان فریاد برداشت: "ناظم حکمت را آزاد کنید!". خلق خطاب به او

نژاد پرستان علیه پناهندگان

سوئد - استکهلم - روزشنبه ۳۰ نوامبر ۱۹۵۰ - روزنامه تعد اد ۳. نفرا نژاد پرستان (راسیستها) سوئدی با تجسید در ایستگاه مرکزی استکهلم با دادن شعارهای ضد کمونیستی و ضد خارجی به مخالفت با حضور مهاجرین در سوئد پرداختند. حدود ۱۵۰ نفر از سوئد و مهاجرین که تعد اد قابل توجهی از آنان را پناهندگان ایرانی تشکیل میدادند، با امضاءهای ضد راسیستی، نژاد پرستان را احاطه کرده و مانع از پخش اعلامیه آنها شدند. درگیری مختصری بین نژاد پرستان و نیروهای مخالف آنها بود. که با رسیدن پلیس درگیری خاتمه یافت. تظاهرات راسیسم‌ها بدون اجازه پلیس و غیرقانونی بود.

سوئد - طرود
دوشنبه پنجم ماهه تعد ادی از نژاد پرستان سوار بر ۳ دستگاه اتومبیل در Mellere یکی از شهرهای کوچک سوئد به خانه‌های پناهندگان حمله کرده و شیشه‌های پنجره‌ها را شکستند. آنها با فریاد شعارهای ضد خارجی پناهندگان را تهدید می‌کردند. مسئولین کمون (شهرک) پس از این حادثه ۱۶ نفر از پناهندگان را به محسب د دیگری انتقال دادند. پناهندگان خواستار

نوشت: "توبه ما یاد دادی که چگونه انسانها را دوست بد آریم و ما اکنون برای آزادی تومی جنگیم". فریاد آزادی زندانیان سیاسی تمام ترکیه را فرامی‌گیرد و آزادی ناظم حکمت با آزادی زندانیان سیاسی و "عفو عمومی" پیوند می‌خورد. به همین خاطر تصمیم به اعتصاب غذا می‌نماید و می‌گیرد: آزادی یا مرگ!

بعد از یک دوره مبارزات، حمایت روزافزون محافل بین‌المللی و اعلام اعتصاب‌های متعدد همبستگی در جهان و ترکیه و... سرانجام ناظم حکمت در ۱۷ ژوئن ۱۹۵۰ آزاد گردید. او توانست تنه‌ها مدت کوتاهی که پرا توطئه و تهدید و محاصره و تعقیب و فشار بود با خلق خویش به درازشلاق و دیوارهای بتنی زندگی کند. در ۱۹۵۱ بدنبال افزایش فشار و توطئه مجد د برای دستگیری را نابودی اش، یک روز توفانی بوسیله یک قایق موتوری کوچک به همراه رفیقی دل‌بند ری‌سازد. طوفان بیداد می‌کرد. موتور قایق از کار افتاد و آنها ساعت‌های مدید با مرگ دست و پنجه نرم می‌کردند که بایک کشتی متعلق به رومانی برخورد نمودند. ناظم خطاب به ملوانانی که بر عرشه آن با حیرت بدین پرگاه اسیرا موج می‌نگریستند، فریاد زد "من ناظم حکمت شاعرتک هستم، به کاپیتن خبر دهید". کشتی گذشت و بعد از لحظاتی توقف کرد. مدتی بعد ناظم حکمت در وطن دوم خود اتحاد شوروی بود.

از این به بعد تالظه مرگش - سحرگاه روز سوم ژوئیه ۱۹۶۳ در مسکو - دیگر نتوانست بر خاک میهنش بوسه‌ای زند. طی این سالها با همسرود و سرود و به کشورهای زیادی سفر کرد و اغلب آنانی را که برای آزادی اش تلاش کردند در آغوش کشید. در ۱۹۵۱ در فرستوال جوانان برلین با "پابلو نرود" دیدار کرد. در خیا بانهای هاوانا به همراه جوانان رژه رفت و... میلیون‌ها نفر در سراسر جهان که شعر حکمت و سوئدای حکمت را می‌شناختند در مرگش اندوهگین شدند و بسیاری از بزرگان ادب برایش سرودند.

برگشت فوری به محل سابق خود شده‌اند. طبق گفته یکی از مسئولین کمون آنان بزودی به شهر قبلی برگردانده خواهند شد. طبق تصمیم اداره مهاجرت، کمون Mellerud تا سال ۱۹۸۱، ۲۵ پناهنده جدید خواهد پذیرفت.

تظاهرات ۲۰۰۰ نفره نونا زپها

آلمان غربی - شلوشتن

دوم ماهه علی‌رغم مخالفت شهردار شلوشتن در ایالت هسن، در یکی از شهرکهای ایالت به نام STEINAU، ۲۰۰۰ نفر از نونا زپها در ساختمان‌های سخنرانی کرده و بعد از رشه شلوشتن به تظاهرات پرداختند. نونا زپها که تن از پناهندگان را گروهان گرفته بودند، با پلیس که قصد آزاد کردن آنها را داشت درگیر شدند. در این درگیری ۲۸ تن از نونا زپها دستگیر شدند. پس از متفرق شدن تظاهرات نونا زپها، مردم شهر شلوشتن به خیابانها ریخته و به مخالفت با آنها پرداختند. تلویزیون آلمان (فرانکفورت) تظاهرات نونا زپها را به نمایش گذاشت، اما از اعتراض مردم سخنی به میان نیاورد.

گزارشاتی از برگزاری...

استکهلم - سوئد

مراسم بزرگداشت روز اول ماهه در استکهلم - سوئد: استکهلم در روز اول ماهه شاهد راهپیمایی پرشکوه کارگران بود. آنها با شرکت در اجتماعات مختلف در این روز همبستگی طبقاتی و هم سرنوشتی خود را به نمایش گذاشتند. بزرگترین گرد همایی متعلق به حزب سوسیال دمکرات بود. از آن "حزب کمونیست چپ" بود. نیروهای سیاسی دیگر از آنرا رشیست‌ها هستند یکالیست‌ها نیز مراسم و اجتماعات جداگانه خود را برگزار کردند. شعار عمده کارگران سوئدی در میتینگ حزب کمونیست چپ که به روی پلاکاردها متعدد دی نوشته شد بود، ۳۵ ساعت کار در هفته بود.

رفقای سازمان مادر استکهلم با پخش و چسباندن آفیش‌های اول ماهه، برود رود پیوار شهر، بویژه محل سکونت پناهندگان ایرانی به استقبال اول ماهه رفتند. آنها در روز اول ماهه در میتینگ‌های گوناگون اعلامیه پخش کردند و همچنین به همراه عد های دیگر از ایرانیان در مصاف راهپیمایی "حزب کمونیست چپ" با شعار "کارگران همه کشورها متحد شوید" شرکت کردند.

هایدلبرگ - آلمان غربی

مراسم اول ماهه مطابق سنت همبستگی توسط اتحادیه سراسری کارگران آلمان - هایدلبرگ و نیروهای سیاسی مترقی برگزار گردید. در این مراسم رفقای هوادار سازمان مادر هایدلبرگ، با پخش اعلامیه به مناسبت اول ماهه، به همراه کارگران آلمان در تظاهرات شرکت نمود و همبستگی جهانی طبقه کارگر را گرامی داشتند.

کپنهاگ - دانمارک

بزرگداشت اول ماهه، امسال در کپنهاگ با شکوهی دلپذیر همراه بود. رفقای هوادار سازمان همراه با کارگران دانمارک و دیگر نیروها، خاطرهٔ رقم کارگران شیگاو را گرامی داشتند. رفقای مابا بخش پوستراول ماهه، اعلامیه و تراکت، تبلیغ وسیعی را سازماندهی کردند. عکس‌گوشه‌ای از مراسم را نشان می‌دهد.



